

برای درهم شکستن توطئه هفتم آمریکا

قاطعیت انقلابی و اتحاد نیروهای انقلابی ضرور است

باند قاسملو و ضد انقلابیون وابسته به ضیاءالحق به تحریکات خود شدت داده اند

توطئه پنجم و ششم آمریکا، رخ داد، شباهت عجیب دارد. از بخش مصاحبه تحریک آمیز در تلویزیون و بدنال آن چجال عظیمی که جبهه ضدانقلاب، سرمایه داران بزرگ، تجار بازار و لیبرالها و مانوئیستهای تازه مسلمان شده زیر لوای «آزادی» برآه انداختند تا درگیری و تشنج گسترده در شهرها پیویژه در محیط مدارس، همگی گویای نزدیکی تحقق توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا هستند. تلاش شد تا آنجا که ممکن است، میان مسئولان جمهوری اسلامی ایران جدائی و کشش بقیه در صفحه ۷

بدینسان توطئه ششم نه تنها به ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران دست نیافته، بلکه یک رژیم چنایکار و پوسیده دیگر راه از سیاستهای امپریالیستی در منطقه پیروی میکرده، در آستانه سقوط قرار داده است. امپریالیسم آمریکا، بلافاصله پس از شکست به تجسین نیرو-های خود برای وارد آوردن ضربت دیگری بر انقلاب ایران، روی آورد. آنچه که در دوران پیش از یکماهه اخیر در کشور مسافر رخ داده است و آنچه که امروز میگذرد، یا حوادثی که در ماه های قبل از انجام توطئه های ششگانه پیشین، پیویژه پیش از

خود را آشکار ساخته بود. هجوم لشکر صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، بواسطه جانبازی و فداکاری یحیی و حمزه نیرو-های انقلابی و مردمی و نیز نیرو-های مسلح انقلاب، پیویوجه به هدفهای مورد نظر، که تسخیر خوزستان و ایجاد حکومت «ایران آزاده» توسط سرسپردگان امپریالیسم آمریکا و سپس خفه کردن انقلاب ایران بود، ناآل نکشت. نیروهای متجاوز صدام حسین پس از پیروزی اندکی متوقف شدند و بحران، رژیم چنایکار صدام را فراگرفت.

توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن جمهوری اسلامی ایران، آخرین مراحل اجرای خود را طی می کند و هر روز گوشه دیگری از جبهه عظیم خود را نمایان می سازد. امپریالیسم آمریکا تمام نیروهای خود را برای وارد آوردن ضربتی مهلک تر بر پیکر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار گرفته است. تدارک توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا درست زمانی آغاز شد که توطئه ششم، یعنی تجاوز نظامی رژیم صدام حسین، شکست



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۰ یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۵۹، مطابق با ۱۳ صفر ۱۴۰۱، به: ۱۵ ریال

فیدل کاسترو:
امپریالیسم آمریکایی
نابود کردن جنبش های آزادی بخش «سپاه واکش» سریع «ایجاد کرده است»
صفحه ۸ - رویدادهای جهان

در جبهه های سرپل ذهاب و قصر شیرین:

رزمندگان انقلاب، تجاوزگران صدامی را از چند منطقه استراتژیک عقب راندند

چندین تانک، سنگر و انبار مهمات دشمن منهدم و تعدادی از مزدوران به هلاکت رسیدند

قرار گرفت و یکصدتک P.M.P. یک قبضه تیربار، ۱ سنگر انفجاری بکلی منهدم و ۱ انبار مهمات دشمن منهدم شد و ۲۰ تن از مزدوران صدام به هلاکت رسیدند. گروه زیادی نیز زخمی شدند. دردی وارد شدن شریاتی در جبهه های الملک اکبر، ملیحان و آب تیمور، مزدوران صدام به تلافی، مناطق مسکونی شهر اهواز را زیر آتش توپخانه و خمپاره انداز قرار دادند که تا ساعت ۲۱ جمعه، ۴ جروح و ۱ شهید به بیمارستان های اهواز حمل شده است. به گزارش خبرنگار خیرگزاری پارس از آبادان: مبادله آتش سنگین بین رزمندگان دلاور نیروی دریایی، سپاه پاسداران، گروه های مردمی و همچنین نیروی زمینی جمهوری اسلامی ایران با مزدوران عراقی در قسمت غربی خونین شهر تا ساعت ۱۷ روز جمعه همچنان ادامه داشته است. در جریان این عملیات ۲ خودروی دشمن نابود و ۲ تن از دیده بانان دشمن به هلاکت رسیدند. همچنین بر اثر آتش توپخانه رزمندگان جمهوری

مزدور صدام تکریتی و اسارت ۱۷ تن از دشمنان انقلاب اسلامی منجر شد، فدائیان امام خمینی همراه با برادران ارتشی و سپاه در منطقه ریجاب و دالاهو به پیروزی های تازه ای دست یافتند و موفق شدند دشمنان انقلاب اسلامی را در چند منطقه استراتژیک عقب برانند و تلفات قابل توجهی به قوای کفر وارد آوردند. خیرگزاری پارس از اهواز گزارش داد: نبرد همه جانبه نیروهای انقلاب با متجاوزین در تمامی جبهه های منطقه اهواز به شدت جریان دارد. ساعت ۱۳:۳۰ روز جمعه مواضع دشمن مزدور در جبهه های الملک اکبر زیر آتش توپخانه مدافعان انقلاب

در ادامه نبرد رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی چندین تانک نابود شدند و تعدادی از مزدوران دشمن به هلاکت رسیدند. خیرگزاری پارس گزارش داد: در جبهه های الملک اکبر، ملیحان و آب تیمور، ۴ تانک، ۲ تیربار، یک برج دیده بانی، ۱۱ سنگر و ۱ انبار مهمات دشمن منهدم و گروه زیادی از مزدوران عراقی کشته و زخمی شدند. خیرگزاری پارس گزارش داد: نبرد نگرانی خیرگزاری پارس از غرب کشور نیز گزارش داد: بدنال پیروزی دیروز در هشتم (جمعه) مدافعان انقلاب اسلامی در جبهه های سرپل ذهاب و قصر شیرین، که به نابودی ۱۷ تانک دشمن و هلاکت بیش از ۱۵۰

تشکیل جبهه ای از ایران و کشورهای «عضو جبهه پایداری» بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم یک ضرورت انقلابی است

مخالفان با پیشنهاد سفیر لیبی برای تشکیل این جبهه، باید به مردم ایران معرفی شوند.

چنانکه چند روز پیش گزارش دادیم، سفیر لیبی در تهران، در مصاحبه ای با مجله «بیم انقلاب»، از کان سپاه پاسداران اعلام کرد که وی نزدیک به یکسال پیش، طرحی را برای تشکیل جبهه ای مرکب از ایران، الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادی بخش فلسطین، به مقامات ایرانی ارائه داده است. بگفته سفیر لیبی، امام خمینی و آیت الله منتظری با این پیشنهاد موافقت کردند، ولی «بعضی از عناصر مخالف، پیشنهاد طرح ما را بهم زدند و من حتی به اسم آنها را می شناسم. الان هم دنیا و برادران ما در ایران متوجه شدند که ما در گفتارمان صادق بودیم». اظهارات نامبرده سفیر لیبی در تهران یاد دیگر یادآور دوران دردناکی است که دلبرانها و وزیران برگزیده شان در صحنه سیاست خارجی ایران تکرار می کردند و همه کوشش خود را در راه لوث مرز میان دوستان و دشمنان خارجی انقلاب ایران بکار می بردند. اینان از یکسو، زیر پرچم «وحدت کشورهای اسلامی منطقه» یا مرتجع ترین سران رژیم های وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه، از جمله ضیاءالحق ها، همنشین و همکار می شدند، و از سوی دیگر، با ترندهای رنگارنگ، در راه برقراری و تحکیم مناسبات دوستانه جمهوری اسلامی ایران با دولت ها و نیروهای مترقی منطقه، که همواره از انقلاب ایران پشتیبانی می کردند، سنگ می افکندند. در این زمینه کافی است به مورد مشخص لیبی اشاره شود که لیبرالها

و برخی دوست های مرموز، بگفته سعد مجری، پیوسته توطئه «سپاه» علیه لیبی را زیر عنوان «ماجورای امام موسی صدر» علم می کردند و به کارشناسی های چه بسا توهین آمیز علیه لیبی و رهبران آن دست می زدند. در حالیکه، مقامات لیبی، از جمله، خود سعد مجری، بارها، اعلام داشتند که: «ما با تمام قوا از آن (انقلاب ایران) جالب داری می کنیم و تمام امکانات خود را در اختیار این انقلاب قرار می دهیم». دسیسه های بی دردی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و روند زرفش انقلاب ۲۲ بهمن، پیویژه پس از جنگ آمریکا فرموده و تحمیلی داروسته صدام حسین علیه ایران، بیش از هر وقت، مرز بندی میان دوستان و دشمنان انقلاب ایران را در منطقه آشکار ساخت. در حالیکه شاه حسین ها، ملک خالدها و قابوس ها و ضیاءالحق ها، نهان و آشکار به پشتیبانی از تجاوز کاران و پشتیبانان «سپاه» بی آنها پرداختند. کشورها و نیروهای مترقی عرب، پیویژه لیبی، سوریه، بقیه در صفحه ۴

افترا به حزب توده ایران آنها در «کارنامه رئیس جمهور»!

با اندکی دقت در متن همان نقل قول میتوان مشاهده کرد که خود رئیس جمهور باین افترا باور ندارد، و بهین دلیل آنرا مستلزم «تحقیق» دانسته است. ناباوری ایشان بحدی است که «یقین» دارند که این تحقیق نیز هیچوقت به نتیجه نرسد. بقیه در صفحه ۴

راه را باز کنید!

با شما هستم من سود و سرمایه و سودا به طمع با خنکان! با شما شعله به بازار در انداختگان و ندرین همه مرمک و حیات مردم و مردمی از کالا نشناختگان!

به عبث راه مگیرید به خلق در گذرگاه چنین سیلی جا خوش مکنید! خوش گرفتید ازین پیش مراد دل خویش پس ازین بپسیده اندیشه ناخوش مکنید!

کی بود عقل پذیر پیرهن بر تن توفان کردن؟ به کمندی کت امواج خروشان بستن؟ گردبادی به قفس افکندن؟ یا حریقی را در مشت به دام آوردن؟! از شما یان، همه، می پرسم من.

بروید! بانگ و فریاد به جای دگر آغاز کنید! خلق ازین راه گذر دارد، آی! با شما هستم من راه را باز کنید!

۲۷ آذر ۱۳۵۹
سیاوش کسرائی

در گذشت آلکسی کاسیگین عضو برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی و نخست وزیر پیشین این کشور



آلکسی کاسیگین، عضو برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی و نخست وزیر پیشین این کشور، روز ۱۸ دسامبر (۲۷ آذر) در سن ۷۷ سالگی، بر اثر بیماری سخت و طولانی درگذشت. درگذشت وی طی اعلامیه رسمی که از سوی حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیئت رئیسه شورای عالی این کشور صادر شده، به اطلاع جهانیان رسید. آلکسی کاسیگین از سال ۱۹۶۴ تا اکتبر ۱۹۸۰ (۱۳۴۳-۱۳۵۹) رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی بود. وی در سال ۱۹۰۴ (۱۲۸۳) در یک خانواده کارگری در شهر لنینگراد متولد شد و در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۵)

دانشکده نساجی را تمام کرد و مدتی در صنایع نساجی مشغول کار بود. وی در سال ۱۹۴۰ (۱۳۱۹) بعنوان معاون ریاست شورای کمیته های ملی اتحاد شوروی منصوب گردید. در تسلیت نامه ای که از سوی لئوید برژنف و دیگر رهبران حزب و دولت اتحاد شوروی افساه شده، از نقش برجسته آلکسی کاسیگین، بعنوان سازمانده بزرگ امور اقتصادی و شرکت مؤثر وی در اجرای خط مشی سیاست خارجی اتحاد شوروی یاد شده است. آلکسی کاسیگین بارها بعنوان عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اعلام آمادگی سازمان حزب توده ایران در ابهر برای شرکت در جنگ

توده‌ای‌ها هیچ‌گاه از هیچ کوششی در راه دفاع از آرمان‌های مردم دریغ نداشته‌اند

در جبهه و دفاع از جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی رژیم مزدور صدام و مقابله با توطئه امپریالیسم امریکا، به آن نهاد انقلابی اعلام کنیم.

اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان ابهر آمادمانند تا هر نوع ماموریتی را که فرمانده سپاه پاسداران معین کند، اعم از تکبانی در نقاط حساس، شناسایی عوامل ضدانقلاب، کنترل و توزیع ارزاق و سوخت، شرکت در کمیته‌های امداد و کمک‌رسانی و غیره انجام دهند.

تاریخ مبین ما نشان داده‌است که توده‌ای‌ها هیچ‌گاه از هیچ کوشش و فداکاری در راه دفاع از آرمان‌های مردم زحمتکش و خدمت به خلق دریغ نداشته‌اند.

دفع و همانند دفعات قبل توطئه‌های امپریالیسم امریکا را خنثی خواهد کرد. همانطور که در جبهه‌های جنوب و غرب، و در جریان پایداری دلیرانه مردم در خونین‌شهر دیده شده است، شرط ضرور برای موفقیت در دفاع از انقلاب و مین، همکاری همه مدافعان جمهوری اسلامی، زیر رهبری امام خمینی است.

ما همچنانکه پارها در اعلامیه‌های قبلی، آمادگی خود را برای همکاری با نهادهای انقلابی، در دفاع از انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های ضدانقلاب اعلام کرده‌ایم، لازم می‌بینیم که به پیروی از رهنمودهای کمیته مرکزی حزب توده ایران، یکبار دیگر آمادگی خود را برای نبرد

گسترش اثرات آن در منطقه و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است.

درواقع این تجاوز بخشی از توطئه‌های امپریالیسم امریکا برای مبارزه با انقلاب ضد-امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی است و امپریالیسم امریکا برای پیشبرد این هدف، تمام دولتهای مرتجع دست‌نشانده خود را (مصر، اسرائیل، اردن، عربستان سعودی، عمان، پاکستان و...) برای پشتیبانی و کمک به رژیم مزدور صدام بسیج کرده است. ولی امپریالیسم امریکا در محاسبات خود مثل همیشه نیروی عظیم خلق را بدرستی ارزیابی نکرده است. خلق قهرمان ایران با اتحاد عمل خود این تجاوز را

فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - کمیته شهری ابهر، ضمن نامه‌ای به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ابهر، مجدداً آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوزگران صدامی و تقبل وظایف مختلف در این زمینه اعلام کرد.

در این نامه آمده است: «اکنون قریب دو ماه از تجاوز نظامی آشکار رژیم صدام علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میگذرد. امروز بر همه کسی آشکار شده است که هدف از این تجاوز بدست آوردن اردن و رود و یا چند کیلومتر مربع از سرزمین ایران نیست، بلکه منظور مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از

افترا به حزب توده ایران...

بقیه از صفحه ۱

ما برآنیم که مقامی، در سطح ریاست جمهوری، که مسئول است و باید احساس مسئولیت کند، حق ندارد مطلبی را قبل از «تحقیق» و در نتیجه قبل از وقوف کامل به صحت آن برزبان آورد، چه رسد که این مطلب، افترای سنگینی، آنهم نسبت به یک حزب سیاسی با سابقه چهل‌ساله روشن در مبارزه بی‌امان و آشتی‌ناپذیر بر ضد امپریالیسم و دربار دست‌نشانده آن در ایران باشد.

از اینکه آقای رئیس‌جمهور بدون پایه و «تحقیق» به حزب توده ایران افترا زده‌اند، میتوان احتمال و احتمالی نزدیک به یقین داد که ایشان سخنان برخی اطرافیان خود را تکرار کرده‌اند. ولی این تکرار «بی‌تحقیق» و بی‌مسئولیت سخن مغرضانه اطرافیان نیز زبینه و شایسته مقامی رسمی، در سطح ریاست جمهوری، نیست. در نقل‌قولی که آوردیم، «توده‌ایها و دربارهای سابق» در یک ردیف قرار داده شده‌اند. توقع از رئیس‌جمهور این بود که اینگونه فحش‌های رکیک را نسبت به «توده‌ایها» تکرار نکند، زیرا این‌گونه فحاشی‌ها بعنوان وسیله مبارزه با حزب توده ایران در زادخانه همان «درباریان سابق» ساخته و پرداخته شده است.

ما از رئیس‌جمهور و از هیچ شخصیت، مقام، گروه، حزب، سازمان و روزنامه‌ای توقع نداریم که از حزب توده ایران پشتیبانی کنند، گرچه این تومی بجا از طرفداران صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، که حزب ما نه فقط در گفتار و نوشتار، بلکه در عمل با تمام‌توان خود و در نهایت صداقت تاحد جانفشانی از آن دفاع میکنند و مقامات مسئول، از جمله رئیس‌جمهور، بقدر کافی از آن اطلاع دارند. ولی توقع ما اینست که مخالفت با حزب توده ایران، از طرف کسانی که خود را طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میدانند، در سطح مخالفت ایدئولوژیک - سیاسی باشد و نه در سطح دروغ‌سازی و تمهت‌زنی، که ضدانقلاب را شاد و خرسند کند. خود رئیس‌جمهور بارها تکرار کرده‌است که مبارزه با دیگر نیروها در جبهه انقلاب را فقط در مقطع ایدئولوژیک سیاسی جایز میدانند، و ما متعجب و متاسفیم که رئیس‌جمهور در مخالفت با حزب توده ایران، از اصلی که خود بکرات عنوان کرده، عدول کرده و حزب ما را به تیر عاریتی افترا بسته است.

و اما حزب توده ایران نیز «کارنامه» دارد و این کارنامه‌پاک است و از اینکه هدف تمهت و افترا و دشنام قرار گیرد بی‌بازگشت تمام عمر چهل‌ساله حزب توده ایران بی‌کم و کاست و بیدریغ صرف مبارزه با امپریالیسم سلطه‌گر، بسرگردگی آمریکای‌جناپتکار، برای استقلال ایران، صرف مبارزه با استبداد سلطنتی دست‌نشانده در برای آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی مردم ایران شده است. در این مبارزه حزب ما هدف خصومت و درندگی حیوانی امپریالیستها و عمال ایرانی آنها قرار گرفته، هزاران قربانی داده، مصائب‌بیشماری متحمل شده، ولی همواره پرچم مبارزه را افراشته نگاه داشته‌است.

پس از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، که به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید، حزب توده ایران طبعاً در صف دیگر نیروهای انقلابی برای تثبیت و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تامین پیروزی قطعی و نهائی آن، به تلاش و کوشش مستمر و بی‌تزلزل و پیگیری پرداخت، که نمره آن در تاریخ ایران - اگر بدست بی‌غرضان نگاشته شود - ثبت خواهد شد. بهمین دلیل حزب ما در معرض کمین حیوانی ضدانقلاب قرار گرفته و بهمین دلیل نیز از نظر بورژوازی لیبرال ایران گناهی نابخشودنی مرتکب شده‌است و نمایندگان سازشکاران طرفدار بازگشت امپریالیسم امریکا از «پنجره»، چون علناً نمی‌توانند مواضع حزب توده ایران را در پشتیبانی از «خط امام» مورد حمله قرار دهند، به حزب ما بکمک دروغ و تمهت و افترا حمله‌ور میشوند. ولی حزب توده ایران هیچ‌گاه جلب این «آتش پهلوی» نمیشود و هیچ‌گاه از خط‌مبارزه بر ضد امپریالیسم

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم):

توطئه محکومیت مهندس فاروق کیخسروی را افشا و خنثی سازیم!

هموطن مبارز ایران!
مردم شرافتمند کردستان!

دارودسته خائن قاسملو از روز دهم تیرماه امسال، مهندس فاروق کیخسروی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم) و محمد ماجدی عضو کمیته حزب شهرستان سقز را دستگیر کرده‌اند. بدنبال این اقدام و برای اینکه اعضاء و هواداران مشی اصولی حزب زهرچشم ببینند، دهها تن از اعضاء و هواداران حزب، به اتهام اعلام عمیستکی با بخشی از کادر رهبری، که طی جزوه‌ای در ۲۵ خرداد صف خود را از منحرفین وابسته به بعث جدا و از انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران تحت رهبری امام خمینی پشتیبانی کردند، بازداشت گردیده‌اند.

دستگیرشدگان مورد انواع اهانت‌ها و شکنجه‌های روحی و جسمی قرار گرفته‌اند. رفیق کیخسروی طی پنج ماه گذشته در اکثر بازداشتگاهها و زندانها مورد انواع تهدیدات و تطمیع‌ها قرار گرفته تا شاید از راهی که در پیش گرفته بشیمان شود و از پیروان راستین حزب بریده و همقدم اوپاشانی گردد که مدت‌ها است با انقلاب ایران و با مردم کردستان و با مشی حزب وداع گفته و هنگام با شیخ‌جلالها و زرگاریها و بقایای رژیم شاهنشاهی خود را در اختیار رژیم فاشیست بعث عراق و امپریالیسم جهانی قرار داده‌اند.

ولی رفیق کیخسروی طی این مدت نه تنها ذره‌ای تردید به خود راه نداده، بلکه مایه قوت قلب و تسلی خاطر دیگر رفقای هم‌زنجیر خود نیز گردیده است.

ضدانقلابیون سرسپرده وقتی تمام تلاشهای خود را در به‌بیراهه و انحراف کشاندن کیخسروی ببوده یافتند، طبق اخبار واصله طی چند روز گذشته او و یکی دیگر از رفقا را در به‌اصطلاح دادگاه انقلابی خود محکوم به مرگ کرده‌اند.

ما ضمن افشای این عمل ضدانقلابی و ضدانسانی دارودسته قاسملو و محکوم کردن آن، از مردم کردستان و از نیروهای راستین انقلابی ایران و از سازمانهای مترقی جهان میخواهیم برای نجات جان کیخسروی و یارانش اقدام نمایند. اعمال ضدبشری و وحشیانه و خائنه سرسپردگان بعث را بیش از پیش برملا و ماهیت بیدادگاههای دشمنان خلق و انقلاب ایران را برای مردم روشن کرده و ماسک دمکراسی و خودمختاری‌خواهی را از چهره کریه این دشمنان خلق و انقلاب اسلامی ایران بیشتر بالا بزنند.

بدون شک، بازداشت، شکنجه و اعدام کیخسرویها، دارودسته قاسملو را از ننگ خیانت به مردم، انقلاب اسلامی و حزب دمکرات کردستان و از رسوائی ابدی رها نخواهد ساخت. مردم ما و پیروان کنگره چهارم با اعمال فشار و تضییق و بازداشت و اعدام وسیله ضدانقلابیون سرسپرده بعث، راه خود را، که راه حمایت از انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی ایرانست، ترک نخواهند گفت و از کيفر خائنین به مردم و قاتلین آزادیخواهان صرفنظر نخواهند کرد. پیروزی حق بر باطل حتمی است و شکست و رسوائی ضد-انقلابیون دارودسته قاسملو اجتناب‌ناپذیر.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
(پیرو کنگره چهارم)

۱۳۵۹-۱۸

کاخ بیدارباش کنیم
خانم حزب کنیم راه

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!
ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما می‌آیم. شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپید قره‌نی شمالی بپردازید.
توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

ک. م.
لیلا با فروش دستبند
نمایشگاه از فروش روزنامه

۵۰۰۰ ریال
۱۵۰۰۰ ریال
۱۵۰۰ ریال

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

تشکیل جبهه از ایران...

بقیه از صفحه ۱

الجزایر، جمهوری دمکراتیک خلق یم و سازمان آزادیبخش فلسطین دسیسه‌های وسیع امپریالیستی - ارتجاعی را علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم کردند و باردیگر پشتیبانی خود را از انقلاب ایران ابراز داشتند.

چنانکه سعد مجیر بدرستی ارزیابی کرده است، چنانچه یکسال پیش با پیشنهاد تشکیل جبهه‌ای مرکب از ایران، لیبی، الجزایر، سوریه، و سازمان آزادیبخش فلسطین جدی‌تر برخورد میشد، شاید عوامل و دستیاران امپریالیسم امریکا در منطقه تا این حد در توطئه بردازی علیه جمهوری نوپای ما جسارت بخرج نمیدادند.

خوشبختانه در ماههای گذشته، بویژه پس از سفر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، به برخی از کشورهای درست، این امید توان یافته است، که دولت جمهوری اسلامی ایران متوجه اهمیت تقویت روابط خود با کشورهای مترقی منطقه هست و در نظر دارد گامهای مشخصی در این راه بردارد.

به گفته حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی: «این دولت‌ها بما گفتند هرگونه حمایتی باید برای دوام این انقلاب (ایران) بشود و آنها آماده هرگونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی با ما هستند. ما درباره همکاری در همه زمینه‌ها با هم صحبت کردیم، هم در زمینه نظامی، هم در زمینه فرهنگی، هم درباره همکاریهای اقتصادی و درباره توسعه کارها که الان ضعیف است».

اکنون با توجه به گفته‌های بالای سفیر لیبی در تهران در مورد «بعضی از عناصر مخالف»، که «پیشنهاد و طرح ما (لیبی) را بهم زدند» و در پرتو یکی از مصاحبه‌های حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی («اطلاعات» - ۲۹ آبانماه ۵۹)، که: «ما از اول پیروزی انقلاب این خط را تعقیب میکردیم که نیروهای انقلابی اسلامی در این منطقه باید با هم همکاری کنند» (تکیه ازماست)، باید پرسید که این «عناصر مخالف» چه کسانی بودند و انگیزه آنها از رد پیشنهاد همکاری نزدیک‌تر با کشورهای «جبهه پایداری» چه بوده است. بنظر ما، پاسخ به این سؤال به روشن شدن بسیاری از مسائل و رویدادهای یکسال اخیر، بویژه در ارتباط با توطئه‌های امپریالیسم امریکا، عمال و کارگزاران آن در منطقه و ایران کمک خواهد کرد.

در این میان، دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد که درباره چگونگی هم‌پیمانی ما با کشورهای مترقی و مستقل منطقه اقدامات مشخصی را آغاز کند. با توجه به اخبار و گزارش‌هایی که درباره ایجاد پیمان نظامی جدید از دوستان امپریالیسم امریکا در منطقه حاصل میشود، هم‌پیمانی ما با کشورهای «جبهه پایداری» هم بسود انقلاب ایران است و هم در جهت مصالح دیگر خلق‌های خاورمیانه و نزدیک.

برای ساختن ایرانی مستقل و آزاد و آباد، بسود زحمتکشان و مستضعفین منحرف نخواهد شد.

چنین است خلاصه «کارنامه» چهل‌ساله حزب توده ایران، که نه فقط هر انقلابی راستین بینا و آگاه، بلکه هر مخالف بی‌غرض نیز نمیتواند واقعیت آنرا انکار کند. ما از رئیس‌جمهور متوقع بودیم که لااقل از دیدگاه اینگونه مخالفان، عمل حزب توده ایران را ببینند، و از اینجهت ما از سخنان رئیس‌جمهور، که نقل‌قول کردیم، همانقدر متعجب هستیم که متاسف.

کارگران با تجمع در سندیکاها و انجمن‌های صنفی - سیاسی خود، مشت لیبرال‌ها را باز خواهند کرد

لیبرال‌ها در کارخانه

می‌دانیم که لیبرال‌های خواستند و می‌خواهند نظام سرمایه‌داری وابسته را در ایران انقلابی حفظ کنند. درست است که آن‌ها با بعضی از جنبه‌های زسوی رژیم سابق موافق نبودند، ولی اگر شاه به جای حکومت "سلطنت" می‌کرد و سهم بیشتری را در غارتگری به آن‌ها اختصاص می‌داد، لیبرال‌ها مشکل که با ساواک هم مخالفت داشتند!

خلق و البته در مقابل طبقه کارگر ایران قرار داشتند. مخالفت لیبرال‌ها با مصادره انقلابی اموال سرمایه‌داران بزرگ، تقسیم زمین‌های فئودال‌ها، سلب قدرت از سرکردگان رژیم قبلی و غارتگران بیت‌المال و مجازات آنها، ملی کردن مراکز بزرگ صنعتی و بانکی، که با سرمایه مشترک امریالیست‌ها و

لیبرال‌ها مخالف سرسخت دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود هستند. این مخالفت در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی و تولیدی، به این شکل طرح می‌شود که شورا و سندیکا دیگر چه صیغه‌ای است؟! لیبرال‌ها می‌گویند: اگر مساله اداره کارخانه‌ها در میان باشد، که کار را باید به کارگران و به "اهلش" سپرد، و از نظر آن‌ها، کارفرمایان چنین کسانی هستند، که در این راه استخوان خرد کرده‌اند و دود چراغ خورده‌اند! این کارفرمایان می‌دانند چگونه باید کارها را اداره کرد، مواد اولیه تهیه کرد، وسایل را فراهم آورد، کار فروش محصولات را سرور سامان داد. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که: "مدیر انقلابی یعنی چه؟ دخالت کارگران در اداره کارگاه‌ها دیگر کدام است؟ شوراها مزاحم اندوکاران خراب می‌کنند" (!) و نظایر آن.

است، بزرگی قبل از شکوفایی است و مگر در بخش دیگر، که از رعایت قانون‌گذاری خبری نبوده و نیست، همین لیبرال‌ها از ته دل راضی نیستند؟ راستی کدام یک از آن‌ها تل کتون به کار کودکان و نوجوانان در خفکان معادن و کارگاه‌های کوچک، کمترین اعتراض کرده‌اند؟

مراد یک‌ه‌تا باشد! آن‌ها همه نقشه‌ها را کشیدند تا: - کارگران را از تصمیم‌گیری و شرکت فعال در امر تولید بازدارند. - جلوی انجمن‌های صنفی - سیاسی طبقه کارگر را بگیرند. - منافع کارفرمایان طاغوتی را بهر وسیله که شده، حفظ کنند. - قوانین قبلی را، به ویژه

لیبرال‌ها مخالف دولتی شدن اداره شورایی و انقلابی واحدهای تولیدی‌اند.

سوکران‌شان دایر شده بود، "طبیعی" بود. آنها خواستار سلب قدرت از غارتگران و مجازات آنها نبودند. آنها نمی‌خواستند به مالکیت بزرگ صنعتی و بانکی و ارضی کوچک‌ترین لطمه‌ای وارد آید. ولی امان از دست کارگران و دهقانان! امان از دست انقلاب! لیبرال‌ها از قاطعیت رهبران انقلاب از شرکت موثر روحانیت مبارز پیرو خط امام در تحقق آرمان‌های انقلاب

امروز شاه و رژیم سرسپرده او به گورستان تاریخ سپرده شده‌اند. لیبرال‌ها می‌توانند آنقدر "نرمش" داشته باشند و از خود "گذشت" نشان بدهند که این وضع تازه را بپذیرند. ولی تنها همین جا!

لیبرال‌ها آماده دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی خود، آماده پیکار در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است.

و از ایجاد سبادهای اعلامی، از دست و وحشت زده شدند. در قاموس لیبرال‌ها ملی کردن کارخانه‌های بزرگ فاجعه بود. قطع رابطه با امپریالیسم آمریکا دیوانگی بود! نهادهای انقلابی، مثل دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، و چون خاری در چشم لیبرال‌ها بودند، این نهادها دقیقاً همان کاری را می‌کردند که لیبرال‌ها به شدت با آن مخالف بودند و هر روز که از موجودیت این نهادها برآمده از انقلاب می‌گذشت اجرا شود. اما کدام قانون؟ این جا لیبرال‌ها خود را نشان می‌دهند: "چه معنی دارد که هر چه از گذشته مانده، طرد شود؟!"

توده‌ها همه قدم‌ها، قلم‌ها و تنگ‌ها را به سوی "امریکا - دشمن اصلی همه محرومین جهان" نشان می‌دهند. انقلاب در صراط مستقیم حرکت می‌کرد، تا شعار اصلی خود، یعنی "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را تحقق بخشد.

لیبرال‌ها قانون کار قبلی را معقول می‌دانند و نمی‌خواهند با تصویب قانون انقلابی کار منافع زحمتکشان تأمین شود.

لیبرال‌ها بیشتر در تنگنا قرار می‌گرفتند. امروز لیبرال‌ها تا حدود زیادی افشاده‌اند، نظرات آن‌ها روشن شده است و مردم ایران با تجربه خود "خط" آن‌ها را، که در نقطه مقابل خط انقلابی امام قرار دارد، شناخته‌اند. اما نظریات و مواضع لیبرالی در کارخانه‌ها، هم از نظر شکل تولید و هم از لحاظ مدیریت و مالکیت، و حقوق کارگران، چگونه تبلیغ می‌شود؟

در این مبارزه مساله حاکمیت مستضعفین و نابودی کاخ‌نشینان و قطع دست غارتگران در دستور قرار گرفته بود، و سرمایه‌داری لیبرال کلاه خود را بر باد رفته می‌دید. برای لیبرال‌ها هیچ چیز دردناکتر از آن نبوده و نیست که توده‌های زحمتکشان به میدان بیایند و همه کارها را خراب کنند!

بررک بود. سخن از نابودی همه وابستگی‌ها به امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکای جنایت‌کار بود، که لیبرال‌ها را "دشمن فرضی" می‌نامیدند! اما حکم تاریخ تاخیرپذیر و تعطیل‌بردار نیست و با شکل‌گیری آرایش انقلابی نیروها در جامعه، نوبت به پیاده کردن برنامه‌های انقلاب رسید. تا آن جا که به مخالفت لیبرال‌ها با انقلاب و دگرگونی‌های ریشه‌ای در جامعه مربوط می‌شود، آن‌ها در مقابل

لیبرال‌ها مدافع کارفرمایان طاغوتی و مدیران وابسته‌اند.

آنها که به ضرر کارگران صراحت کامل داشت، معتبر بداندند. با کار شکی در امر تولید، تامین مواد و قطعات و فروش محصولات ثابت کنند که باید وابستگی‌ها را حفظ کرد و مدیران و کارفرمایان وابسته فرشته نجاتند. با طرح ضرورت راه‌اندازی واحدها، به هر قیمت و هر شکل، جلوی گسترش روند ملی کردن و دیگر تحولات انقلابی را بگیرند. با جمع بندی کلی برخوردها و نگرش لیبرال‌ها در این زمینه، به روشنی می‌توان دید که آن‌ها جاده صاف کن ضد انقلاب بوده‌اند و هستند.

آن‌ها از تعمیق و گسترش دستاوردهای انقلاب بی‌عناک و وحشت زده‌اند، و امروز که وزیر کار و امور اجتماعی با موضع دفاع از منافع کارگران به کار پرداخته است، باید انتظار داشت که لیبرال‌ها نیش خود را فرود آورند. درست به همین دلیل کارگران ایران باید با درک لیبرالیسم و به ویژه نحوه عمل لیبرال‌ها، و با فشرده کردن صفوف خود، به پشتیبانی از خط امام و دفاع از انقلاب برخیزند. لیبرال‌ها می‌گویند به هر وسیله که می‌توانند بر تدوین قانون کار تأثیر گذارند و جوهر انقلابی آن را رقیق و کم‌رنگ کنند. کارگران با شرکت فعال خود در این کار، توسط لیبرال‌ها را عقیم خواهند گذاشت. لیبرال‌ها قطعاً کمبودها و نا-رسانی‌ها را بهانه خواهند کرد و با

هوز در بسیاری از واحدها، به ویژه در کارگاه‌ها و مراکز کوچک تولید، که اکثریت کارگران میهن ما را در خود جای می‌دهند، ساعات کار نامحدود است و کارگران رسماً استخدام نشده‌اند. به عبارت دیگر، روزانه کار می‌کنند و فردای آن‌ها تاریخ تاریک است. از بیمه مزایای ابتدایی خبری نیست. شلاق کار است و خشم کارفرما در برابر این ستم قرون وسطایی، لیبرال‌ها سکوت می‌کنند.

می‌بینیم که عوام فریبی لیبرال‌ها بیامون این که گویا قانون کار قبلی کامل است و سندیکا و شورا زیادی است، زیرا، گویا، قانون را مسئولان امر کاملاً اجرا می‌کنند، در عمل چگونه آن‌ها را رسوا می‌کند. برابر همین بندارها و برای خفه کردن حرکت انقلابی کارگران، لیبرال‌ها با تمام وجود می‌کوشند که کارگران انقلابی را به بهانه‌های مختلف اخراج کنند، سندیکاها، شوراها و حتی انجمن‌های اسلامی کارخانه‌ها را منحل کنند یا زیر فشار بگذارند، کارگران را "اخلال‌گر" بنامند و اجازه ندهند که سنت‌های انقلابی، که در جامعه احیا شده است به این مراکز رخنه کند. کارنامه دولت موقت لیبرال‌ها در اداره صنایع ملی شده از این نظر گویا و نمونه‌وار است. لیبرال‌ها مدیران انتصابی خود را به این واحدهای ملی شده گسیل داشتند.

لیبرال‌ها یار غار عناصر وابسته به ضدانقلاب در واحدهای تولیدی‌اند و با تکیه به آن‌ها طرح خود را دنبال می‌کنند.

عوام فریبی همیگی خود درصدد برخواهند آمد تا نهادهای انقلابی را مسؤل آشفگی‌ها بدانند. کارگران با تجمع و تشکل در سندیکاها و مجامع صنفی - سیاسی خود مشت لیبرال‌ها را باز خواهند کرد. لیبرال‌ها مدافع کارفرمایان طاغوتی و دشمنان طبقه کارگرند. طبقه کارگر ایران آماده دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی خود، آماده پیکار در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی است.

مدیرانی که لیاقت خود را بعضاً در احزاب ایران‌نویس و رستاخیز و کلوب‌های امپریالیستی نشان داده بودند! بسیاری از این مدیران کارگران را دسته دسته اخراج کردند، تولید را متوقف ساختند، دستگاه‌ها و وسایل را به نابودی رساندند، شوراها را منحل کردند و در برابر امتیازاتی که کارگران داشتند، علامت سؤال گذاشتند و بر آن خط بطلان کشیدند. آن‌ها حتی قانون کار کذایی را هم "تو" کردند، تا با فراغ بال بر خر

لیبرال‌ها در مورد حقوق کارگران هم آماده است. می‌گویند: قانون کار قبلی همه مسائل را پیش‌بینی کرده، فقط باید آن را اجرا کرد!

بالاتر می‌آید. سراسر سازمان است، فقط باید تماشاچی باشد. مالکیت هم به هر شکل "مقدس" است و فرقی نمی‌کند که این ثروت‌های باد آورده و این سودهای نامشروع از کجا بدست آمده است. اگر می‌خواهید، کارها تعطیل نشود، به هیچ چیز دست نزنید! جواب لیبرال‌ها در مورد حقوق کارگران هم آماده است. می‌گویند: قانون کار قبلی همه مسائل را پیش‌بینی کرده، فقط باید آن را اجرا کرد! ظاهرش اینست که "قانون" باید اجرا شود. اما کدام قانون؟ این جا لیبرال‌ها خود را نشان می‌دهند: "چه معنی دارد که هر چه از گذشته مانده، طرد شود؟!"

می‌بینیم که ظاهر استبدال فریبنده است، ولی لیبرال‌ها نمی‌گویند که قانون در گذشته از دست چه کسانی بود و بر سر کدام افراد در حکم چاق فرود می‌آمد. دلیل ساده‌ای برای ادعای این است که: ماده سی و سه همین قانون، کارگران را به راحتی آشامیدن یک‌لیوان آب، از هستی ساقط می‌کند! خوب بود لیبرال‌ها برای مردم توضیح می‌دادند که چرا در همان بخش محدودی که این قانون کار رعایت می‌شده، باز هم زندگی کارگران غرق در محرومیت است، یک عمر جان کندن است، فقر و بیماری

در صورت لزوم توسط مقامات مربوطه مسلح و در برابر تجا و زات وحشیانه بعضی‌ها به مقابله برخیزیم. باشد از این راه "شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا" رایگورستان بسپاریم.

نمایشیم و خود را هر چه زودتر جهت مقابله با تجا و زات نظامی آنها آماده نمائیم و این امر میسر نیست مگر اینکه آموزشهای نظامی و جنگی لازم را آموخته باشیم. بنا بر این مناسبتاً کارگران اجتماع

اسرائیل غاصب و عربستان شده است. در چنین شرایطی وظیفه ما این است که جان برکف در مقابل تجا و زات نظامی رژیم ضد - مردمی صدام تکریتی خائن و اربابان امریکائیش ایستادگی

از میهن شده‌اند. در این اطلاعیه از جمله می‌خوانیم: "در شرایط حساس کنونی، امریکای جنایتکار و زار رتگر بطور مداوم علیه انقلاب ما توطئه میکند و حکومت مرتجع عراق آشکارا در خدمت

کارگران مجتمع پروژه اسکله جدید بندر عباس: آمریکا ابگورمی سپاریم

طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، توهم خسارات جنگ و دفاع در جنبه، پیشقدم است!

تأمین و توزیع ماشین آلات و وسائل کشاورزی باید در اختیار و زیر نظارت دولت باشد

دهقانان همدان خواستی را مطرح میکنند که مبتلا به اکثریت عظیم روستاییان است آنها خواستار توزیع دولتی ابزار و وسائل کشاورزی و ارتباط مستقیم با مقامات مسئول کشت و کاشوری هستند. یکی از مشکلات عمده روستاییان این منطقه، در ارتباط با کشت آبی، عدم دسترسی آنها به موتور آب و متعلقات آن است. این وسائل اغلب در اختیار سرمایه داران بزرگ و نمایندگان آنهاست و آنها با سوءاستفاده از این موقعیت، در امر تحویل ابزار لازم به کشت و کاشوری کارشکنی میکنند. بر اساس اطلاع رسیده بانک کشاورزی، در مقابل بیش از ۱۰۰۰ فقره کشت و کاشوری که باید از این نمایندگان گرفته شود، پول تهیه این ابزار را بصورت چک می پردازد. ولی این نمایندگان نیز معمولاً وسائل کشاورزی را بین یکتا دو ماه بعد از تحویل چک به خریدار تحویل می دهند. در نتیجه اغلب اوقات ابزار کشاورزی هنگامی بدست کشاورز می رسد که عملاً در فصل مورد نظر غیر قابل استفاده است. نقش بازاریارنده و مخرب واسطه های سرمایه داری بزرگ در اینجا به روشنی دیده می شود. بانک پول را می دهد، دهقان حاضر به فعالیت است، ولی مداخله سرمایه دار مانع از استفاده بموقع از آلات کشاورزی میشود. این مسئله باعث شکایت مکرر کشت و کاشوری و مراجع آتلن به مقامات مسئول شده است. در نتیجه اخیراً بیشتر بانکها، برای رفع این نقیصه، تصمیم به پرداخت چک همزمان با تحویل کالا گرفته اند. لیکن سرمایه داران بزرگ، که تمعداً جلوی حل مسائل تولید کشاورزی را میگیرند، از این فرصت، که هنوز اقدامات اساسی در جهت

خلع پیداز سرمایه داران وابسته زمینداران بزرگ انجام نشده است، سوء استفاده کرده و به مقابله با کشت و کاشوری برخاسته اند. آنها از تحویل ابزار به دهقانان خودداری میکنند و با کوتاهی و تعلل، مانع از رسیدن وسائل کار به دهقانان میشوند. عمل این سرمایه داران وابسته زمینداران بزرگ یکبار دیگر لزوم مبارزه قطعی با آنها و پاسخگویی سریع به نیازهای انقلاب را مورد تاکید قرار میدهد. مسئولین کشاورزی ایران باید:

- (۱) دست این اعمال وابسته را قطع کنند و مستقیماً ابزار لازم را در اختیار کشاورزان قرار دهند.
- (۲) واردات هرگونه وسائل تولید کشاورزی باید فوراً و کاملاً ملی شود.
- (۳) نظارت دولت بر تولید ماشین آلات و ادوات کشاورزی بمنظور تسویق و توسعه آن باید برقرار شود.
- (۴) تشکیل تعاونی های دهقانی برای خرید آلات سا دو مشترک کشاورزی را باید تشویق کرد.
- (۵) نظارت هیئت ۷ نفری و جهاد سازندگی بر توزیع این آلات لازم است.
- (۶) برای ماشین آلات بزرگتر تصمیم متخذه دایره تاسیس مراکز خدمات کشاورزی امر بسیار لازم و مبدئی است که میتواند مرکزی برای تحویل آلات و ادوات تولیدی به کشاورزان باشد. ولی حدود صد عدد مرکز دولتی خدمات کشاورزی بسیار ناکافی است، لذا گسترش آنها کاملاً ضروری است. این مسئله نه فقط برای همدان بلکه برای سراسر کشور حیاتی است.

مردم دهستان مهربان:

از هیئت های ۷ نفری به خاطر تقسیم زمین سپاسگزاریم و خواستار ادامه کار آنان هستیم

از مردم مهربان دهستان مهربان پیش از این نیز سخن گفته ایم و چندین بار از این دهستان را (واقع در استان همدان) معرفی کرده ایم. در این شماره به روستاهای دیگر دهستان مهربان می زنیم. روستاهایی تنه، با مردمی مبارز و زحمتکش. مردمانی که از سفره های بی رنگ خود زده اند، تا نشان پندیشان به جنگجویان ایران در حربه جنگ برسد، از روستای شیربرات شروع می کنیم.

شیربرات

قریه شیربرات از توابع دهستان مهربان، که در شمال همدان قرار گرفته، دارای ۶۵ خانوار است. از این تعداد، ۳۵ خانوار خوشنشین و بقیه کشاورزند. جمعیت این قریه حدود ۲۵۰ نفر است. فاصله شیربرات تا همدان ۱۴۰ کیلومتر است.

شیربرات جلگه ای کوهستانی است که پیش از این بزرگ مالک حدود ۲۵۰ هکتار زمین مزروعی آن را در جنگ خود ترفه بود. پس از پیروزی انقلاب و کنار رفتن طاغوتیان، مسئله تقسیم اراضی در شیربرات نیز مطرح شد و به دنبال پیگیری روستاییان، هیئت ۷ نفری به شیربرات هم راه یافت. این هیئت در تاریخ ۵ آبان سال ۵۹ زمین ها را به خوشنشینان واگذار کرد. دهقانان یکصد می گویند:

"ما از هیئت ۷ نفری سپاسگزاریم که به موقع و قاطع عمل کرد و زمین بزرگ مالکی را به صاحبان واقعی آن، یعنی دهقانان واگذار نمود. آن ها آرزوی می کنند که در سایر دهات دهستان مهربان نیز این کار عملی شود.

با وجود مستعد بودن زمین های کشاورزی در منطقه شیربرات، کمبود آب به امر کشاورزی لطمه زیادی زده است و مردم از مسئولین می خواهند که به این موضوع حیاتی رسیدگی کنند. جاده قریه شیربرات نیز مانند اکثر روستاها خراب است و با اولین برف زمستانی راه آن بسته می شود.

جهاد سازندگی، این نهاد انقلابی، به قریه شیربرات هم رفته است، و به قول یکی از اهالی، با افراد زیادی کمک های لازم را کرده است. مردم روستای شیربرات از داشتن حمام بهداشتی محرومند و از جهاد سازندگی و مقامات مسئول انتظار دارند که به خواست های برحق آن ها توجه کنند.

مردم شیربرات تاکنون بارها آمادگی خود را برای شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده اند، ولی هنوز پای بسج به این روستا باز نشده است. با این وصف زحمتکشان شیربرات تاکنون چند بار برای جنگجویان حبه غرب سال، نان و بنبر فرستاده اند.

چهارسوق

در قریه چهارسوق از توابع دهستان مهربان، که فاصله آن تا همدان حدود ۱۴۲ کیلومتر است، ۷۰ خانوار زندگی می کنند، که تعداد آن ها به ۴۰۰ نفر می رسد. این روستا کوهستانی است و زمین های مزروعی آن، که مساحت آن به ۴۰۰ هکتار می رسد، تا پیش از انقلاب در اختیار بزرگ مالک بود. در تاریخ ۱۷ آبان ماه سال جاری، این اراضی با حضور امام خمینی، از هیئت گونه کوشش برای رونق مجدد این کارخانه دریغ نخواهیم کرد.

اراضی می گوید:

"هیئت ۷ نفری ما را از دست این مالکان خونخوار نجات داد. ما حالا می دانیم که هر چه بکاریم، مال خودمان است و دسترنجمان به خودمان می رسد. ما از این بابت هم از امام خمینی وهم از هیئت ۷ نفری متشکریم. حاده قریه چهارسوق خراب است و احتیاج به سربیزی و مرمت دارد. حمام این قریه هم مانند سایر روستاها خزینهای غیر بهداشتی است. میزان آب چهارسوق بسیار کم است، ولی در حال حاضر جهاد سازندگی مشغول سرگرداندن آب رودخانه و مرمت چشمه روستا است. اهالی این روستا همچنین از رسیدن نفت به منطقه گلدارند. در چهارسوق یک مدرسه ۳ کلاسه وجود دارد، که طبعاً ساختمانی نیازهای اهالی روستا نیست.

اهالی قریه چهارسوق، که به برکت انقلاب بزرگ مردم ایران، از زیر یوغ اربابان و وابستگان رژیم گذشته خارج شده اند، آماده دفاع از انقلاب و شرکت در بسیج عمومی هستند. آن ها تاکنون ۱۶ گوسفند، یک خروار و ۲۵ هزار ریال به جنگ زدگان کمک کرده اند.

جیران گجن

روستای جیران گجن، که در نزدیکی چهارسوق واقع است، حدود ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ هکتار زمین دبی دارد، که مالک آن همان مالک روستای چهارسوق است. این شخص در چندین روستای مجاور نیز زمین های زیادی داشته است. با کمال تأسف زمین های این روستا هنوز به دهقانان واگذار نشده و دهقانان جیران گجن منتظر رفتن هیئت ۷ نفری به این روستا و واگذاری اراضی مذکور هستند. آن ها می گویند: "ارباب امسال هم محصول ما را برد، ما به زور و در صورت نبودن او، فقط می توانیم گوسفندان خود را در اینجا بچرانیم."

ماضن جلب توجه هیئت های ۷ نفری و سایر نهاد های انقلابی به وضع روستای جیران گجن، از آن ها می خواهیم که هر چه زودتر کار واگذاری زمین ارباب غارتگر را، که در چندین دهه مالاک وسیع دارد، مطابق با متن قانون به انجام رسانند.

اهالی روستای جیران گجن همحسین خواستار ایجاد حمام، درمانگاه و برقراری تسهیلات در زمینه رساندن مواد سوختی، از جمله نفت به این روستا هستند. حل این مشکلات در آینده کمک خواهد کرد که روستاییان بهتر به کار تولید و کشت برسند، زمین ها را وسیع تر به زیر کشت ببرند و محصول هر چه بیشتری تولید کنند.

قریه چالی

قریه چالی، ۱۷۰۰ نفر جمعیت، یکی از بزرگترین روستاهای توابع دهستان مهربان است، که فاصله آن تا همدان حدود ۱۵۰ کیلومتر است. در این قریه ۳۶۰ خانوار زندگی می کنند که ۸۰ خانوار آن خوشنشین و بقیه کشاورز هستند. موقعیت این روستا حلگه ای است. کوهستانی است و به علت خرابی جاده روستا، تا اولین برف ارتباط سایر نقاط قطع می شود. در این روستا یک مدرسه ۵ کلاسه وجود دارد و در زمان هجوم بهداشتی در آن خسری نیست. حمام روستای چالی به صورت دوشی است که اهالی آن

را سه الی چهار سال قبل ساخته اند. میزان آب این روستا نسبتاً خوب و کافی است و دارای ۴۵ جبه موتور دار است. از اهالی چالی تاکنون ۷ نفر به حبسه رفته اند. روستاییان می گویند: "ما همه جان فدا هستیم و فعلاً این هفت نفر به حبسه نبرد با صدام آمریکایی رفته اند و بقیه هم آماده ترک در بسیج عمومی و دفاع از انقلاب بزرگ ایران هستیم."

آن ها تاکنون حدود ۷۰ هزار ریال پول نقد و ۴۵ رأس گوسفند به جنگ زدگان کمک کرده اند.

روستاییان چالی خواستار واگذاری زمین و زیرکند هستند، تا با ستار و حدیث به خود کفایی کشور کمک کنند و نیروی خود را در اختیار انقلاب بگذارند. آن ها آماده اند که همانطور که ۷ تن از جوانان ده در حبه می جنگند، بقیه نیز در سنگر تولید، در کشتارها، با تولید بیشتر به جهاد بپردازند.

اکتلو

در روستای اکتلو، که در ۱۴۵ کیلومتری همدان واقع است، ۴۰۰ خانوار زندگی می کنند، که ۲۳ خانوار آن خوشنشین و بقیه کشاورز هستند. محصول عمده کشاورزی این روستا گندم، جو و سیب زمینی است.

راه اکتلو خراب است و احتیاج به سربیزی و مرمت دارد. حمام اکتلو دوشی است، ولی به علت نرسیدن گاز و نایل تعطیل شده است. اکتلو دارای مدرسه راهنمایی و درمانگاه است، لیکن معلم دارد و نه پزشک. در نتیجه این مدرسه و درمانگاه عملاً ساختمانی نیازهای مردم نیستند. در حال حاضر جهاد سازندگی مشغول لایروبی قنوات این روستاست.

اهالی روستای اکتلو نیز، که مانند سایر زحمتکشان کشور در انقلاب بزرگ خود را می دانند، برای دفاع از آن آماده اند و منقضی خدمت های ۵۶ خود را جهت شرکت در جنگ معرفی کرده اند. آن ها همچنین تاکنون یک وانت باران و ۳۵ هزار ریال پول نقد کمک کرده اند. مهم ترین خواست های روستاییان اکتلو به شرح زیر است:

- ۱- معلم برای مدرسه راهنمایی.
- ۲- پزشک برای درمانگاه.
- ۳- مرمت جاده روستا.
- ۴- گاز و نایل و نفت.
- ۵- برق و آب لوله کشی.

دهقانان از ستون های اصلی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران هستند. پاسخگویی به نیازهای آنان، جواب به خواست های مردم انقلاب است. ما توجه به خواست های دهقانان، در جهت تعمیق و تحکیم انقلاب گام برداریم. همان طور که ستاد مرکزی واگذاری زمین اعلام کرده است، علی رغم همه توطئه ها، باید کار بزرگ و اساسی واگذاری زمین با فاطمیت و بدون ذره ای تردید در حقانیت آن ادامه یابد. همان طور که در برخی از روستاهای دهستان مهربان و استان همدان به طور کلی انجام شده، لازم است که در سراسر کشور و با استفاده از حمایت نهاد های انقلابی و مسئولان متعهد، هیئت های ۷ نفری ریشه فاسد بزرگ مالکی را برکنند و حق را بحق دار برسانند.

دهقانان می نویسند:

ساکنان روستاهای حمزه کلا، خراسانی مسله و اسپه کلا با ارسال نامه ای به فرماندار شهرستان بابل، خواستار رسیدگی به وضع کارخانه آجر بزی این روستا و ملی کردن آن شدند. رونوش نامه به استانداری، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و جراید کشور فرستاده شده است. در این نامه از جمله آمده است: "رزمندگان دلیر و جان برکف اسلام در جنوب و غرب کشور با نثار جان خود از انقلاب اسلامی ایران و مرزهای میمن ما دفاع می کنند. در چنین شرایطی همان طور که امام خمینی فرمودند، کشاورزان و کارگران باید با کنار و کوشش بیشتر تولیدشان را افزایش دهند، تا سهم خود را در این نبرد حقیق و باطل ادا نمایند. اما متأسفانه ما در اطراف حمزه کلا شاهد هستیم که کارخانه آجری بزی که زمانی روزانه ۶ هزار آجر تولید می کرد اکنون توسط عوامل کارفرما به تعطیل کشانده شده است. زمانی صاحب این کارخانه، در جریان انقلاب، با نروتهای زیادی که به جنگ آورده بود، از کشور فرار کرد و کارخانه را تحویل بستگان داد. آنها نیز با خرابکاری و اخلال گری در کارخانه بتدریج تولید را پائین آوردند و بالاخره با اخراج کارگران (که اکثر از اهالی این روستا هستند) کارخانه را به طور کامل تعطیل کردند. عوامل زمانی اکنون مشغول قطع درختان کارخانه

امام خمینی: مستضعفین باید با زور حق خود را بگیرند.

تلاش لیبیرال‌ها را برای ادامه تحمیل راهسرمایه‌داری به خلق انقلابی ما با قاطعیت تمام باید عقیم گذاشت!

نورالدین کیانوری
رئیس‌جمهور
و
پاسخ

جلسه معمول «پرسش و پاسخ» روز یکشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد.
شرکت‌کنندگان در جلسه پرسشهای گوناگونی را در این جلسه مطرح کردند که رفیق کیانوری به آنها پاسخ گفت.
بخشهای اول و دوم این «پرسش و پاسخ» در شماره‌های قبلی نامه «مردم» بچاپ رسید در این شماره آخرین قسمت آنرا می‌خوانید.

س: آیا این حکم که نیروهای انقلابی موظفند در دفاع از آزادی‌ها خط خود را از خطر لیبیرال‌ها جدا کنند به معنای آن است که از انحصار طلبیها انتقاد و آزار آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی دفاع نکنند؟ اگر خیر چگونه می‌توان این دو را تلفیق کرد یعنی از آزادی‌ها دفاع کرد و به دام لیبیرال‌ها نیفتاد؟

ج: خوب این سؤال را من تقریباً جواب داده‌ام. جواب ساده این است: همان طوری که حزب توده ایران می‌کند، حزب توده ایران از آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی دفاع می‌کند، با جدیت هم دفاع می‌کند، نوازش و کمبودهایی را که در عمل ارگان‌های اجرایی، چه دولت و چه نهادهای دیگر انقلابی هست، با آذوری می‌کند، تذکر می‌دهد و این تذکرها در مطبوعات می‌گوید بلکه به طور جدی و مستقیم همه نامه‌ها و چه در برخورد های شفاهی به اطلاع مقامات می‌رساند. حزب ما، مقام‌های نهادهای قدرت را متوجه این واقعیت می‌کند که این اشتباهات می‌تواند برای انقلاب خیلی گران تمام شود، زیرا که به نارضایتی نیروهای اصل انقلاب منجر می‌شود و نیروهای ضد انقلاب، نیروهای مخالف، نیروهای که در صد تضعیف انقلاب هستند، یعنی جبهه مشترک لیبیرال‌ها و ضد انقلابیون این فرصت را می‌دهد که عناصر ناراضی را به سوی خود جلب بکنند و یک جو ناخشنودی نسبت به نهادهای انقلابی به وجود بیاورند، حزب توده ایران از یک طرف همه این‌ها را تذکر می‌دهد و باز هم در آینده تذکر خواهد داد، ولی در عین حال هم به روشنی موضع خود را نسبت به لیبیرال‌ها، نسبت به ضد انقلاب روشن می‌کند، ملاحظه خوب بود که مطبوعات و نشریات سازمان مجاهدین خلق، لااقل نصف آن چیزی را که درباره «ارتجاع در ایران»، درباره «حاکمیت ارتجاع»، درباره «اختناق موجود در ایران»، درباره «محدودیت‌هایی که درباره آزادی هست، به تحریکات امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب در ایران اختصاص می‌دادند، یا این‌که آن‌ها می‌توانستند تشریح کنند: لیبیرال‌ها الان چه هدف‌هایی دارند، به چه نیروهای متکی هستند، به چه قشرهای طبقاتی تعلق دارند، موضع گیری‌های آن‌ها چیست؟ در چنین صورتی می‌شد گفت که خوب، سازمان مجاهدین خلق یک شمیر دوله دارند، که از یک لبه آن بیشتر استفاده می‌کنند، اما واقعیت این است که مادر تبلیغات مجاهدین در دوران اخیر آن طرف خیلی خیلی

کمبود می‌بینیم. برای نمونه، نسبت به لیبیرال‌ها تقریباً در تمام دوران از اوائل انقلاب تا به حال، چیز مشهودی که الان به خاطر ما باشند دیده‌ایم. برعکس می‌شود گفت که مجاهدین، به خصوص در دوران اخیر، در برابر لیبیرال‌ها سکوت محض اختیار کرده‌اند. مثل این‌که چنین نیرویی در جامعه ما اصلاً وجود ندارد و علیه انقلاب عمل نمی‌کند. توجه مجاهدین نسبت به ضد انقلاب هم فوق‌العاده کم است. ولی در عوض، از طرف دیگر، نواقص و کمبودهایی که ما هم به هیچ وجه منکر وجود آن‌ها نیستیم، بی اندازه بزرگ می‌شود. از اینروست که می‌گوئیم اینجا مرز بین سازمان مجاهدین خلق و لیبیرال‌ها به کلی برداشته شده است و با لاقول مشهود نیست. این امکان وجود دارد که ما از آزادی‌های مصرح در آن قانون اساسی دفاع بکنیم. البته لازمست که این آزادی‌ها را درست درک بکنیم، بفهمیم که آزادی مصرح در قانون اساسی، «آزادی» روزنامه «آیندگان» نیست، «آزادی» ضد انقلاب، «آزادی» تحریک، «آزادی» توطئه نیست. قانون اساسی ایران در جهت منافع توده‌های محروم جامعه است، اصل ازین- بردن استمرار فرد از فردی در اصول قانون اساسی است، یکی از پرچم‌های قانون اساسی ایران است. به این ترتیب سمت گیری قانون اساسی ایران کاملاً مشخص است. سمت گیری است در جهت منافع خلق. اگر هم در بعضی از موارد کاملاً صحیح نباشد، ولی همین که استمرار فرد از فرد باید در جامعه ایران از بین برود، این سمت گیری پرچم مشخص است. بنابراین اگر کسی بپایند و بگوید: «آزاد می‌خواهم مناسبات سرمایه داری وابسته دوران شاه دورته بگرداند» این «آزادی» مغایر با قانون اساسی است و با آن موافق نیستیم. به این ترتیب ما باید اول بفهمیم که قانون اساسی ایران چه آزادی‌هایی را در چه چارچوبی برای چه نیروهای اجتماعی تصریح کرده است. ما با تمام قوا از آزادی‌ها دفاع می‌کنیم. به این ترتیب ما از آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، «آزادی» تهران صورت و «آیندگان» و «آزادی» آقایی با مناطق را برای غارت و آزار دیگران نمی‌فهمیم. آن «آزادی» خیالی که مثلاً در انگلستان «حق داری بروی توی آن باغ معروف لندن و به بادشاه خش بدی!» «آزادی» مهمل است، آن آزادی نیست. آنقدر چشم و گوش آن جامعه را با تبلیغات امپریالیستی گرفتارند که تو هر قدر هم که آنجا حرف بزنی مثل این‌که داری با یک دیوار سنگی صحبت می‌کنی. به این ترتیب در ایران کنونی ما، که یک میدان نبرد بزرگ طبقاتی، هم در صحنه سیاست داخلی و هم در صحنه سیاست جهانی است، خارج کردن مفهوم آزادی و بیا هم قولنامه اجتماعی دیگر از این چارچوب چیز بی ربطی در می‌آید. لنین جمله معروفی دارد، که محتوی آن تقریباً اینست که: هر حرف درستی را اگر از چارچوب منطقی خود خارج بکنیم، چیز احقانه بی ربط و بی مفهوم و بی معنی در می‌آید. به این ترتیب ما مفهوم آزادی را در انقلاب ایران با تمام محتوی انقلاب ایران می‌فهمیم و از آن با تمام قوا دفاع می‌کنیم و به نظر ما می‌شود از این آزادی‌ها دفاع کرد. در همان مواضعی که حزب توده ایران دفاع کرده می‌کند. در عین حال می‌شود کاملاً در مواضع ضد امپریالیستی و کاملاً مشخص از نیروهای ارتجاعی، ضد انقلاب و نیروهای لیبیرال قرار گرفت.

س: زبان‌های انحصار طلبی برای انقلاب تا چه حد است؟ آیا این

توجه درست است که چون حکومت در دست هیئت حاکمه فعلی است و توده‌های مردم پشتیبان آن هستند، این هیئت حاکمه حق دارد می‌تواند دیگران را از تبلیغات فکری و سیاسی محروم کند؟ چرا که اگر ما هم حکومت را در دست داشتیم، چنین می‌کردیم؟

ج: البته این ادعای آخری که اگر ما حکومت را در دست داشتیم دیگران را از تبلیغات فکری و سیاسی محروم می‌کردیم این ادعا درست نیست. ما اعتقاد داریم که تعیین کننده سیاست یک کشور باید رای و نظر آگاه اکثریت مردم زحمتکش آن کشور باشد. اکثریت مردم زحمتکش یک کشور هر تصمیمی گرفت، هر چیزی را که درست دانست، اقلیت باید تابع اکثریت باشد. تجربه ۶۳ سال تمام انقلاب‌های خلقی، سوسیالیستی و دمکراتیک- ملی نشان داده‌است که توحیه‌های اینجوری دیگر کهنه شده است. در جامعه سالی که نیروهای ارتجاعی زنجیر و یا خلق صلاح شده باشد، می‌توان آزادی‌های وسیعی را برای افکار، نظریات و سمت گیری‌های گوناگون در نظر گرفت و احتیاجی به دیکتاتوری، یعنی تحمیل نظریات اقلیت بر اکثریت نیست. ولی آیا این درست است که حکومت کنونی حق دارد همه نیروهای مخالف خود را از تبلیغات فکری و سیاسی محروم کند، هرگز ندارد، قانون اساسی چنین حقی را به دولت کنونی نداده است و دولتی که مطابق این قانون اساسی روی کار آمده است، نمی‌تواند چنین حقی را برای خود قائل شود. در تمام رهنمودهای امام خمینی هم که پایه و مبنا و استخوان بندی قانون اساسی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد، هیچوقت چنین موضع گیری و سمت گیری نبوده است. وقتی امام خمینی می‌گوید: حتی اجازه بدهید که کمونیست‌ها بیایند در رادیو تلویزیون هم صحبتشان را بکنند و جوایشان را بدهید. این دیگر روشن‌ترین موضع گیری درباره آزادی تفکر، آزادی ایدئولوژی، آزادی بیان است. وقتی امام خمینی می‌گوید: کتاب- فروشی‌ها را حتی اگر کمونیستی هستند و عقاید اسلامی ندارند، سچاپید! روزنامه‌هایشان را نچاپید! پاره نکنید! این‌ها شیوه‌های اسلامی نیست. به آن‌ها جواب بدهید! توضیح بدهید! این برخورد کاملاً درستی است که ما از آن پشتیبانی می‌کنیم. ما هم به همین شکل فکر می‌کنیم. انحرفاتی که از این رهنمودهای امام و مصوبات قانون اساسی، چه از جانب نهادهای انقلابی و چه از سوی افراد غیر مسئول انجام می‌گیرد، هم‌ماش مولود وضعی است که در ایران به وجود آمده و هنوز جانیافته شده است. مثلاً چند روز پیش در ترمینالی که روزنامه‌ها به شهرستان‌ها فرستاده می‌شود، مسئول ترمینال آمد و گفت که «کمیته محل به ما دستور داده که نامه «مردم» را نگیرید!» خوب ما می‌توانستیم بلافاصله بگوئیم: «آقا، جمهوری اسلامی و طرفداران خط امام مخالف قانون اساسی عمل می‌کنند!» اما این کار را نکردیم. چرا؟ چون مافکر می‌کنیم که حتماً چنین کاری را دولت جمهوری اسلامی بپایندادهای مرکزی انقلاب می‌کنند. وقتی که قانون اساسی هست، نامه «مردم» اجازه انتشار دارد. اجازه تجدید انتشار دارد. بنابراین، چکار می‌کنیم؟ به عوض اینکه جنجال بکنیم، شلوغ بکنیم، یک نامه می‌نویسیم به «کمیته مرکزی انقلاب» می‌گوئیم: «آنجا چنین کاری می‌کنند. شما واقعاً چنین دستوری داده‌اید؟» آن‌ها هم نامه می‌نویسند به دادستانی انقلاب چون دادستانی باید نظر بدهد. خوب دادستان زیرش می‌نویسد: «خبرنامه «مردم» آزاد است و نباید ممنوع بشود. باید رفع مزاحمت بکنید.» خوب، آن نامه می‌رود به ترمینال. دیگر آن کمیته، آن افراد غیر- مسئولی، که شاید روی ناگهانی و با روی نظریات نادرست خواسته‌اند چنین کاری کنند، باید جواب عمل غیرقانونی خود را بدهند. بنابراین، در چنین مواردی ما نمی‌آئیم فوراً اعلام بدهیم و در سطح کشور پخش کنیم که: جلوی آزادی‌ها را گرفته‌اند، بنابراین باید تشخیص داد که این زیاد روی‌هایی که در مورد محدود کردن آزادی‌های مصرح در قانون اساسی می‌شود، از طرف کدام جناح‌ها، کدام گروه‌ها و کدام بخش‌ها انجام می‌شود. چه بسا که این اعمال را افراد غیر مسئول می‌کنند. برخورد ما با چنین جاهلانی به هیچ وجه محافظه کارانه نیست، بلکه کاملاً دقیق و بسا حساب است که به چه شکل باید با آنها برخورد بکنیم، که بخواهد کارمزر انجام نداده باشیم. نه برای ضرر زدن به آزادی، نه برای این که کمسک بکنیم به این‌که آزادی‌ها را بیشتر محدود بکنیم، نه برای این که به سبانه بدهیم به دشمنان انقلاب که از آن سوء استفاده بکنند.

س: خوب این سؤال را من تقریباً جواب داده‌ام. جواب ساده این است: همان طوری که حزب توده ایران می‌کند، حزب توده ایران از آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی دفاع می‌کند، با جدیت هم دفاع می‌کند، نوازش و کمبودهایی را که در عمل ارگان‌های اجرایی، چه دولت و چه نهادهای دیگر انقلابی هست، با آذوری می‌کند، تذکر می‌دهد و این تذکرها در مطبوعات می‌گوید بلکه به طور جدی و مستقیم همه نامه‌ها و چه در برخورد های شفاهی به اطلاع مقامات می‌رساند. حزب ما، مقام‌های نهادهای قدرت را متوجه این واقعیت می‌کند که این اشتباهات می‌تواند برای انقلاب خیلی گران تمام شود، زیرا که به نارضایتی نیروهای اصل انقلاب منجر می‌شود و نیروهای ضد انقلاب، نیروهای مخالف، نیروهای که در صد تضعیف انقلاب هستند، یعنی جبهه مشترک لیبیرال‌ها و ضد انقلابیون این فرصت را می‌دهد که عناصر ناراضی را به سوی خود جلب بکنند و یک جو ناخشنودی نسبت به نهادهای انقلابی به وجود بیاورند، حزب توده ایران از یک طرف همه این‌ها را تذکر می‌دهد و باز هم در آینده تذکر خواهد داد، ولی در عین حال هم به روشنی موضع خود را نسبت به لیبیرال‌ها، نسبت به ضد انقلاب روشن می‌کند، ملاحظه خوب بود که مطبوعات و نشریات سازمان مجاهدین خلق، لااقل نصف آن چیزی را که درباره «ارتجاع در ایران»، درباره «حاکمیت ارتجاع»، درباره «اختناق موجود در ایران»، درباره «محدودیت‌هایی که درباره آزادی هست، به تحریکات امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب در ایران اختصاص می‌دادند، یا این‌که آن‌ها می‌توانستند تشریح کنند: لیبیرال‌ها الان چه هدف‌هایی دارند، به چه نیروهای متکی هستند، به چه قشرهای طبقاتی تعلق دارند، موضع گیری‌های آن‌ها چیست؟ در چنین صورتی می‌شد گفت که خوب، سازمان مجاهدین خلق یک شمیر دوله دارند، که از یک لبه آن بیشتر استفاده می‌کنند، اما واقعیت این است که مادر تبلیغات مجاهدین در دوران اخیر آن طرف خیلی خیلی

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در صومعه سرا:

ضد انقلاب شبانه به یک دبستان در صومعه سرا حمله کرد

به بهانه تبدیل این دبستان به مدرسه راهنمایی انجام شده است اگر چه مشکوک شبانه، با شکستن پنجره دبستان وارد آن شده اند و بعد از نابود کردن تمامی وسایل کمک آموزشی، پرونده‌ها و کارنامه‌های تحصیلی دانش آموزان، بروی دیوارها شمشاها می‌علیه انقلاب ایران و رهبران انقلاب نوشته‌اند.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان صومعه سرا اعلام می‌دارد: این حمله برای بدبین کردن دانش آموزان و اولیای آنها نسبت به انقلاب انجام شده و هدف از آن ایجاد درگیری و تشنج در شهر است، تا باین طریق جبهه‌های فرعی کشنده شود و نظر مردم از دشمن اصلی انقلاب، یعنی امپریالیسم خونخوار آمریکا و جبهه جنگ با دارودسته صدام منحرف گردد. حزب توده ایران این توطئه ضد-انقلاب را شدیداً محکوم می‌کند و ضمن هشدار به مردم قهرمان صومعه سرا، نیروهای انقلابی و مسئولان شهر برای مقابله با توطئه‌های دیگر ضد انقلاب، از آنها می‌خواهد که اتحاد خود را حفظ کنند و با خنثی کردن دسایس ضد انقلاب سنگرها را پشت جبهه نبردها امپریالیسم آمریکا را هر چه بیشتر محکم سازند.

مرگ برای امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا! نابود باد توطئه‌های ضد انقلاب! برقرار باد جبهه متحد خلق بر ضد امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران!

حزب توده ایران - سازمان شهرستان صومعه سرا

۱۳۵۹/۹/۲۳

سازمان حزب توده ایران در صومعه سرا با انتشار اعلامیه‌ای از مردم این شهر خواست که توطئه‌های ضد انقلاب را خنثی سازند. متن اعلامیه به این شرح است: «مردم قهرمان صومعه سرا! با شکست سیاسی تجا و نظامی آمریکا، رژیم صدام به خاک میهن انقلابی ما و بدنبال عدم دست‌یابی این تهاجم به اهداف نظامی خود، امپریالیسم آمریکا توطئه جدیدی را آغاز کرده است. این توطئه که با ایجاد تشنج و درگیری در جامعه و تلاش برای جدا کردن جامعه از رهبری انقلاب و تضعیف روحانیت مبارز پیرو خط امام آغاز شده، هدفش تدارک برای زدن ضربه نهایی به انقلاب است. این توطئه در سراسر ایران و از جمله در شهر ما تحت عناوین و بهانه‌های مختلف به اجرا در می‌آید. همان‌طور که مطلع هستید، عناصر ضد انقلابی در اجرای توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، شبانه به دبستان آستان حسین شهر ما حمله کرده‌اند. این عمل خرابکارانه طرفداران فرمانروایی بخش خصوصی در تجارت خارجی، عمده کردن و برنج کشیدن شبکه واسطه‌های داخلی می‌باشد. بهم خوردن شبکه توزیعی که گروه‌ها و افراد آن دم می‌زدند آنرا بصورت حربه‌ای برای جلوگیری از اجرای طرح تجارت خارجی عنوان می‌کنند، چنانکه در بالا ذکر شد، بنفع مصرف‌کننده و تنها بزیان واسطه‌ها خواهد بود. دولت با اقدامات سریع و عاجل می‌تواند تمام رشته‌های توزیع را بدست گرفته و در این راه از نهادهای انقلابی و همیاری مردم و مسأجد کمک بگیرد و این مسئله را ماطی جنگ تحمیلی عراق با ایران بخصوص در مورد توزیع اوراق آزموده ایم و نتایج مثبتی از آن بدست آمده است.»

(کیهان ۱۶ آذر ۵۹)

ضرورت اجرای ملی شدن تجارت خارجی در مطبوعات کشور

اساساً به این فکر نیست که ورود کالا چه اثراتی در اقتصاد جامعه خواهد داشت. علاوه بر اثرات اقتصادی در بسیاری از موارد دیده شده است که واردکنندگان حتی بفکر سلامت جسمی و روانی جامعه نبوده و اگر کیفیت کالاها و وارداتی از سوی مراجع دولتی کنترل نگردد، از ورود کالاها که برای سلامت روانی و جسمی جامعه مضراته بائی ندارند.

مرحله دوم توزیع کالا در جامعه است: مسلم است دولت نمی‌تواند بر کالاهای که توسط بخش خصوصی وارد شده نظارت چندان موزنی داشته باشد و کالا بلافاصله در شبکه منظم و منصفت طلب واسطه‌ها به جریان می‌افتد و بیچاره مصرف‌کننده، که در انتهای این جریان ناظریه بوده، بدون اینکه بتواند کوچکترین دخالتی داشته باشد، در مسیری که کالا از بدو ورود به کشور تا رسیدن به دست مصرف‌کننده طی می‌کند، در هر مرحله بدست واسطه‌های رسیده و دائماً بر قیمت آن افزوده شود و واسطه‌ها نسبت به مکانی که در مسیر گردش کالا دارند، منفعت بدست می‌آورند، بدون اینکه در تولید نقشی داشته باشند و تنها از طریق نفوذ در شبکه گسترده واسطه‌ها واردکنندگان توانسته‌اند زالووار جیب خود را پر کرده و عرصه زندگی را بسر مصرف‌کننده تنگ سازند. بمنظور جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و نتیجتاً بحران اقتصادی کشور، باید هر چه سریعتر اصل ملی شدن تجارت خارجی را بمرحله اجرا گذاشت. تا گفته‌مانند از سوی مخالفین ملی شدن تجارت خارجی در مخالفت با اجرای طرح مزبور، عنوان می‌شود که در صورت اجرای این طرح در زمینه توزیع کالا در سطح کشور، خلایق که ناشی از زمین رفتن عوام توزیع می‌شود، بوجود می‌آید. دولت تا مدت‌ها نخواهد توانست تمامی اهرم‌های توزیع را بدست گیرد و این مسئله به سرگردانی مصرف‌کننده منجر می‌گردد. مسلماً منظور از عنوان کردن این مسئله از سوی

از اساسی‌ترین عوامل افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، اعمال نفوذ واسطه‌ها در رابطه عرضه و تقاضا می‌باشد. واسطه‌ها با دخالت در مکانیسم عرضه و تقاضا عملاً این رابطه را بنفع خود و بزیان مصرف‌کننده تغییر می‌دهند. علت اصلی فعالیت زالووار واسطه‌ها عدم نظارت کافی دولت بر امر توزیع کالا، و از همه مهمتر، باقی ماندن تجارت خارجی در دست بخش خصوصی است. ملی شدن تجارت خارجی، اصلی که اجرای آن در شرایط فعلی بدست ضرورت دارد، دست واسطه‌ها را در تمامی زمین‌های تجارت ایران کوتاه می‌سازد. ورود بی‌حد و حصر کالاهای وارد شده صنایع نوپای داخلی ضربه‌های مهلکی وارد می‌سازد و هر ساله مقادیر زیادی ارز بزمطور و ورود کالاها که ساخت آنها در داخل میسر است، از کشور خارج می‌گردد.

ملی شدن تجارت خارجی سدی است در برابر واردکنندگان که تنها بنا به منفعت خود، کالاهای کشور وارد کرده و به هیچ وجه مصلحت و منفعت کشور و جامعه را در نظر نمی‌گیرند، بصورتی که هم اکنون در صومعه‌های آزاد کالاهای که توسط بخش خصوصی وارد می‌شود، کالاهای مصرفی و یا در داخل مملکت با اندک تلاشی قابل ساخت است.

بخش خصوصی بجهت آنکه تجارت کالاهای مصرفی در کوتاه مدت سودآور است، به وارد کردن کالاهای مصرفی رغبت بیشتری دارد و بفکر نظرات جبران ناپذیری که ورود بی‌رویه کالاهای مصرفی به اقتصاد مملکت وارد می‌سازد نیست، زیرا اساس و هدف عمده تجارت خارجی، در صورتی که در دست بخش خصوصی باشد، سودآوری محض است نه چیز دیگری. دنبال کردن مسیر کالاهای که توسط بخش خصوصی وارد می‌شود، واقعیت امر را بیشتر روشن می‌سازد.

مرحله اول ورود کالا توسط بخش خصوصی می‌باشد. در این مورد واردکننده تنها منفعت شخصی را در نظر داشته و

طبقة کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ، دفاع در جبهه، پیشقدم است!

برخی عناصر مسلمان و یا تازه مسلمان، که منحرف از خط امام خمینی هستند، در سخنان و نوشته‌های خود، یا تکراری ملاحظه‌آمیز، این سؤال را مطرح میکنند که:

چگونه حزب توده ایران، که یک حزب مارکسیستی است، خود را در خط امام میداند، اما ما مسلمانان، سهمیه‌انحراف از خط امام شده‌ایم؟ پاسخ این سؤال، چنانکه درک درستی از خط امام داشته باشیم، بسیار روشن است. نخست بپیمیم خط امام چیست و هر یک از ما کجا ایستاده‌ایم؟

خط امام یک شکل فاقد مضمون و یک اصطلاح میان‌دستی نیست. مدال افتخار هم نیست، تا هر کسی بنابر موفقیت روز، آنرا بر سینه سنجاق کند و در پناه آن، خط خود را دنبال کند و نه خط امام را. خط امام دارای یک محتوای سیاسی، اقتصادی - اجتماعی که انقلاب را باید بسوی اهداف انسانی خود پیش برد. همه کسانی که با این محتوای سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، یعنی با خط حرکت انقلاب موافقت دارند و در این راه تلاش میکنند، در خط امام‌اند، خواه معمم باشند یا کلاه دارای تبتیب و ریش باشند و یا فاقد آن، به اسلام و مسلمانان متظاهر باشند یا نباشند، و همه کسانی که منافع طبقاتی‌شان، آثار گام یکپارچه به مخالفت عملی با این خط و ستیز علیه سیر کنونی انقلاب و ادا داشته، مخالف خط امام‌اند، اگرچه جای مبرر بر پیشانی داشته باشند و در لباس روحانیت باشند یا غیر آن.

مهمترین خصیصه خط امام، جنبه ضد - امپریالیستی آنست. امام خمینی با قاطعیت تمام، امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی مردم ایران میدانند و به مردم توصیه میکنند که تمام سلاحها و قلم‌های خود را بسوی این دشمن اصلی نشانه روند. فریاد پرورد امام خمینی پیوسته از مطالبه است که امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم جهانی‌خواه آمریکا، طی چندین دهه بر مردم ایران روا داشته است. امام خمینی خطاب به مردم میگوید: تمام بدبختیهای ما از آمریکاست و همه فریادهای خود را بر سر آمریکا بکشید. با این رهنمودهای روشن، قاعدتا باید همه

چرا حیرت می‌کنند؟

کسانی که خود را در خط امام میدانند، دشمن اصلی را لحظه‌ای از یاد نبرند و براساس تمام تلاش خود را شجوه راندن این دشمن اصلی و نجات کشور خویش از وابستگی به این جهان‌خوار قرن و پرهیز از افتادن مجدد در دامهای هزارگانه آن کنند.

اما عناصر و گروههایی نه تنها اعتقاد به بریدن از امپریالیسم آمریکا ندارند، بلکه شائق پیوند دوباره با آمریکا هستند. آنها بدون اطلاع امام خمینی بر سر میز مذاکره با پرژینسکی نشستند، میکوشند خط پرژینسکی را علیه انقلاب پیاده کنند و مدعی آنند که «چون وابسته بوده‌ایم، باید وابسته باقی بمانیم».

امام خمینی اشغال جاسوسخانه آمریکا و عمل «گروگانگیری» را توسط دانشجویان مسلمان بیرو خط امام «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» خواندند، اما آنان از تصرف جاسوسخانه عراق مرگ پر پیشانی‌شان ننستند و گروگانگیری را محسوم کردند. آنها در برابر امام خمینی که میگوید: «همه گرفتاریهای ما از آمریکاست» می‌کنند: «همه گرفتاریهای ما از گروگانگیری است».

امام خمینی قطع رابطه با امپریالیسم سلطه‌گر آمریکا را میخواهد، و آنان با هزاران دست، رشته گسیخته را گره میزنند، تا شاید به دوست نزدیکتر شوند.

چنین افراد و چنین محافظی، مخالف خط امام عمل میکنند، هر چند که سجاده نماز را یک لحظه ترک نگویند. اسلام، دین سلطه‌ناپذیری، آزادی و ستیز و قیام علیه استکبار جهانی است و کسانی که رفیق امپریالیسم آمریکا را می‌پذیرند و در راه بروی نزد میکشاند، مسلمانان را از نوع اسلام آمریکائی است که با اسلام خمینی عمیقاً در تضاد است.

خصلت مهم دیگر خط امام جنبه مردمی آن،

بدانند، تعجب کنند. خط امام مخالف با دیکتاتوری و استبداد و هوادار آزادی برای توده مستضعف و احقاق حقوق آنهاست. این آزادی سواي آن «آزادی» است که لیبرالها میخواهند، که چیزی جز آزادی غارت، آزادی استثمار، آزادی تخریب انقلاب نیست.

خط امام، آزادی را برای زحمتکشان میخواهد که چیزی جز آزادی سلطه‌ناپذیری، حق کار، حق تحصیل و حق تعیین سرنوشت خود و کشور خود نیست. لیبرالها که این آزادی را بمعنای تعمیق انقلاب، یعنی تحقق خط ضدامپریالیستی و خلقی امام میدانند، زندانه نگاری خود را زیر پرده «ایوای آزادی» استار میکنند. ولی «آزادی» برای آنان سکوی پرش برای لک‌سدال ساختن آزادی زحمتکشان و اهداف مترقی انقلاب است و پس...

حزب توده ایران صادقانه خود را در خط امام میدانند، زیرا نه فقط از آغاز انقلاب، بلکه حتی سالها قبل از آن، از تمام جهات ضد - امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی خط امام قاطعانه و با بیگیری پشتیبانی کرده است. روزنامه‌ها، نشریات، اسناد و کتابهای منتشره از سوی حزب توده ایران و سخنان رهبران حزب همواره در تائید خط ضدامپریالیستی و خلقی امام و توضیح و تبلیغ و ترویج آن بوده است. ما همواره آشتی‌ناپذیری را قاطعیت امام خمینی را عامل مهم پیشبرد انقلاب از برای ما کرده و رهبری بخردانه امام خمینی را ستوده‌ایم. بنابراین بسیار باید حیرت برانگیزد که چرا ما در خط امامیم و برخی مسلمانان و یا مسلمان‌نمایان جدا از خط امام و در برابر آن...

پشتیبانی صادقانه حزب توده ایران، که پیرو سوسیالیسم علمی است، از امام خمینی و خط امام نه فقط حیرت‌انگیز نیست و نباید باشد، بلکه در شرایط کنونی کشور ما، اتحاد بین نیروهای انقلابی مسلمان خط امام و بیرون سوسیالیسم علمی، که حزب توده ایران نماینده امیل آنست، یک ضرورت حیاتی برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

آنها که با وجود داعیه مسلمان، شتم به مخالفت با خط امام هستند، باید قبل از هر چیز به عملکرد خود بنگرند.

توجه!

مقالات زیر، که در هفته پیش در نامه «مردم» چاپ رسید، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:
• تامین آرامش در مدارس و نظیفه میرم دانش‌آموزان انقلابی و مسئولین متعدد مدارس است؛
• توطئه هتتم آمریکاعلیه انقلاب آغاز شده است.

برای درهم شکستن...

په از صفحه ۱

پدید آید و نیروهای انقلابی، بجای نزدیک شدن به یکدیگر، در مقابل هم قرار گیرند و علیه یکدیگر عمل کنند. نشر نامه رئیس جمهور به امام خمینی از جمله اقدامات برای گسترش اختلاف و شکاف میان مسئولان، و ادعای نفوذ کمونیستها در میان مسلمانان و برجسب کمونیست زدن به مسلمانان پیرو خط امام، بمنظور تحریک نیروهای انقلابی مسلمان علیه کمونیستهای اصلی، از جمله تسبیحات برای ایجاد شکاف میان نیروهای انقلابی است.

گروهکهای ضدانقلابی مائوئیستی در این زمینه نقش فعال و مخربی ایفا می‌کنند. آنها با نشر اعلامیه‌های سرپا دشمن و توهین به رهبری انقلاب و روحانیت پیرو خط امام، زیر نام «کمونیسم»، توطئه امپریالیستی ایجاد فتنه میان نیروهای انقلابی را شدت می‌بخشند.

گسترش تبلیغات سوء میان توده‌ها علیه نیروهای انقلابی مسلمان پیرو خط امام و رهبری انقلاب و نیز علیه سایر نیروهای انقلابی، بویژه علیه حزب توده ایران، جنبه دیگری از فعالیت عال امپریالیسم برای ایجاد زمینه تحقق توطئه است. اسائه ادب به امام خمینی در واقع نقطه اوج جریانی است که از مصاحبه تلویزیونی کذافی آغاز گشت و به وسعت تمام امکانات تبلیغاتی خویش را علیه ستون فقرات نیروهای رهبری‌کننده انقلاب به کار انداخت.

ایجاد درگیری، زده خورد و کشمکش بویژه در محیط مدارس و کشاندن این درگیریها به خیابانها بمنظور ایجاد جو تخریب روانی، تلاش برای ایجاد درگیری میان پاسداران و مردم و بالاخره تلاش برای کشاندن گروههای مختلف صنفی به اعتصاب و فلج کردن زندگی اقتصادی کشور، زمینه دیگر فعالیت ضدانقلاب و دنباله‌روان آگاه و ناآگاه آن است.

درست در شرایط پریانی‌نهار تیره‌تری از این تحریکات، خبر میرسد که مزدوران قاسملو به جاده بین میان‌آب - مهاباد حمله کرده‌اند و در جنگی ۳۷ ساعته، دهها تن به هلاکت رسیده‌اند. از بلوچستان نیز اخبار نگران‌کننده‌ای حاکی از تحریکات گسترده ضدانقلاب وابسته به شیاع‌الحق میرسد. حجت‌الاسلام رضوانی نماینده امام در یادگان نوزه نیز از توطئه ترور ۴۰ روحانی سرشناس مبارز توسط بقایای عوامل کودتا در ارتش، در ارتباط با دفتر هماهنگی‌های رئیس‌جمهور با مردم، خبر میدهد. توطئه وارد مراحل نهائی خود میشود. باید با هشاری و قاطعیت کامل به مقابله با آن برخاست.

آزادگان از گذشته آموخت، زمینه سازیهای دشمن را برلش ساخت، صف متحد نیروهای خلق را در مقابل صف متحد دشمنان، که اکنون علیرغم اختلافات پیشین، علیه انقلاب هم‌قسم شده‌اند، قرار داد. در اینصورت این توطئه نیز همچون توطئه‌های پیشین به شکست خواهد انجامید.



منظومه پداگوژیکی: حماسه تولد انسان طراز نوین

فیلم «منظومه پداگوژیکی» که بر مبنای اثری به همین نام از آموزگار و مربی تربیتی شوروی آنتون ماکارنکو ساخته شده، شرح داستانی پیدایش و گسترش کانونهای تربیتی و کلدو کار در شیوه - های نوین آموزشی بر پایه اصول صحیح علمی است. نمایشی است باشکوه از آفرینش انسان طراز نوین و برخورد علمی به مسائل و مشکلات کانونهای تربیتی در نظامات پوسیده و فرتوت و غلبه بر آنها در جامعه‌های نوین. سال ۱۹۲۰ است. روزهای فرخنده کار و پیکار به سرعت از راه می‌رسند و سیاهی جمهوری جوان شوروا را به عطر و رایحه‌های نوین می‌آرایند. پسران و دختران ولگردی که اختناق دیرپای تزاری بر چهره آنان غبار تاهی و بطالت پاشیده بود، به برکت انقلاب، به اردوی کار و سازندگی می‌پیوندند. در این نبرد بی‌امان حق و باطل، جنگ تنگاتنگ کهنه و نو بود که جامعه‌های نو در پهن تیره گنداب تزاری نطفه بست و با غرضی رعدآسا، بر کبریاي تکامل و پیروزی دست یافت. انسانهای پاکیز و آزاده‌ای چون آنتون سمیونویچ ماکارنکو تمام هستی پربار خود را بر سر این نبرد جانکداز و زندگی - ساز گذاشتند.

ماکارنکو پیشکار و شجاعت نادری در کشف اشکال و شیوه‌های جدید تربیتی (پداگوژی) داشت. نظام تربیتی که او آفرید، سرپا انسانی است. این نظام بر آخرین دستاوردهای جامعه‌شناسی نوین تکیه داشت. جامعه‌شناسی پویا، که در دامان سوسیالیسم علمی زایش و تکامل یافت، خرافه‌های تئوری‌پافان بورژوازی را درباره انحراف سرشتی انسانهای ناماز و ناپه‌نهار درهم شکست، و با روشنگری انسان‌دوستانه و مردمی خویش، حیثیت و منزلت راستین را به «قربانیان» سرمایه‌داری بازگرداند.

از سوی دیگر، سیستم تربیتی نوین، که به اقتضای نیازهای جامعه انقلابی جوان پدید آمده بود، خود در خدمت اهداف انسانی و شرافتمندانه آن قرار گرفت. وظیفه پرورش انسانهای آزاده‌ای درخور جامعه متحول نوین به این سیستم تربیتی محول شد. ضرورت داشت که جنبه‌های بزم‌برده و غبارآلود از لیجنزار قرون تاریک به‌درآیند و منزلت از کفر رفته خویش را در جامعه‌ای آزاد و شکوفا بازیابند. آغاز این رسالت امپازآمین را ماکارنکو بر عهده گرفته بود.

فیلم «منظومه پداگوژیکی» که به کارگردانی آلکسی ماسلوکوف در سینما بولوار تهران بر پرده است، با صحنه‌ای از «در اعماق» گورگی آغاز می‌شود، آکنده از ظرافتی کم‌نظیر و لطافت مسحورکننده. صحنه‌های تنبلی، باج‌خواری، استثمار، فقر، آلودگی، و آنگاه سازندگی، شکوه انسانی، پیکار و بالندگی. از این فیلم مجموعه‌ای سرگرم‌کننده و آموزنده به دست می‌دهند. کشیدن خط بطلان بر تئوریهای تجریدی و جامد تربیتی و بنیانگذاری نظامی دموکراتیک و تغییر بنیادی تربیت به‌سپهرت و روانی انجام میکیرد. باشکوه‌ترین صحنه فیلم، همان خوشه‌های طلایی گندم و داس - های گل‌آذین با چهره‌های روشن گورگی و ماکارنکو است، که بر فراز این نمره کار و تلاش انسانی، با مشاهده چهره‌های غرورآمین جوانان - که خود پرورده دست ماکارنکو هستند - در هر انسان آزاده‌ای موجی از غرور و شادی برمی‌انگیزد. گورگی خطاب به ماکارنکو می‌گوید:

صحنه‌ای از فیلم: ماکارنکو و انسان‌هایی که او می‌ساخت

«شما کار باشکوهی انجام می‌دهید که قطعاً دارای ثمرات درخشانی است. شما انسان برجسته و شگفت‌انگیز و از آنها بی‌هستید که روسیه به آن نیاز دارد. شما چه انسان خارق‌العاده و صاحب چه قدرت بشری والا بی‌هستید»

و از کتاب «منظومه پداگوژیکی» چنین تجلیل می‌کند: «در هر صفحه این کتاب، عشق عمیق شما به کودکان، مراقبت دائمی شما به آنها، احساس ظریفانه روح کودکان و توضوح موج می‌زند، به عقیده من، منظومه پداگوژیکی شما قرین موفقیت کامل است»

ماکارنکو، که در تغییر بنیادی نظام تربیتی سراسر جهان و ایجاد دورنمایی وسیع در پرورش انسان طراز نو، سهمی ارزنده دارد، در فوریه سال ۱۹۳۹ به دریافت نشان افتخار نائل آمد. دوام پس از این رویداد، هنگامیکه او را برای استراحت یا قتلار به حومه پایتخت می‌فرستادند، در پنجاه و یکسالگی بر اثر سکه قلبی‌رشته حیات پربرارش از هم گسست. نطق نوین، یکی از دست‌پروردگان خود وی، جمعیتی را که بر سر مزارش گردآمده بودند، به‌شدت متأثر ساخت. توین، که در جنگ جهانی دوم قبرمانانه جان سپرد، آن روز چنین گفت:

«آنتون سمیونویچ پدرواقفی من بود... به خاطر مراقبت و بازخواستهای دائمی او بود که من توانستم مهندس بشوم. او هزاران

نفر از مردم کشور ما را تربیت کرده است. کودکان دست‌پرورده او در تمام بخشهای تولیدی و موسسات علمی مشغول کارند... بسیاری از آنها از بهترین فرزندان کشور ما هستند و موفق به دریافت نشانهای مختلف شده‌اند... حالا مفهوم از دست‌دادن چنین پدري را درک می‌کنید؟»

با این آخرین جملات فیلم، سیاهی مهربان، بردبار و فروتن ماکارنکو در ذهن تماشاگر برای ابد نقش می‌بندد. در کشور انقلابی ما، که هنوز میراث چرکین و تنگ‌آورد رژیم سلطنتی را بردامان جوانان محروم و ستمدیده خویش دارد، نمایش این فیلم فرصت منتنمی است برای آشنائی با یک نظام تربیتی والا و بشردوستانه. از همین‌دوست که ما نمایش وسیع این فیلم را از شب که تلویزیونی برای همه موهلطان انقلابی خود خواهیم دید.

● از آنجا که در این بررسی مجال برای تشریح نظریات تربیتی ماکارنکو نبود، علاقمندان را به خواندن این کتابهای او توصیه می‌کنیم:

منظومه پداگوژیکی (۲ جلد) - ترجمه کاماپوون انسان، هربی و نویسنده - ترجمه کیوان شکوفای تی و جان - ترجمه کیوان انقلاب و تعلیم و تربیت - ترجمه رزم آزما

مهمات و همچنین تسدادی از درائر اجرای آتش خیاره سکرهای نیروهای متجاوز و برادران پاسدار بر مواضع دشمن تیربارهای سنگین آنان منهدم قرار گرفت که از تلفات حاصله شد. نقاط مسکونی شهر آبادان خراب شد. گزارشی نرسیده است.

خبرنگار خبرگزاری پارس، به نقل از یک مقام آگاه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آبادان گزارشی داد:
حلاکت رسیدند. بر پایه همین گزارش در این عملیات ۱ تن از نیروهای انقلاب شهید و ۲ تن اسلامی تعدادی از مزدوران به مجروح شدند.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

در مطبوعات کشور

اولین هدف انقلاب نفی نفوذ آمریکا بود

اگر انقلاب را تحولی بنیادین در جامعه بدانیم، در ایران انقلاب بزرگی پدید آمده است، زیرا در این نکته تردیدی نیست که اولین هدف نهضت فراگیر ملت مسلمان ایران چیزی جز نفی نفوذ و سلطه بیگانه بخصوص آمریکا بر ایران بود و چه کسی نمیداند که در جوامعی که برخوردار از رژیمهای چوون رژیم شاه معوم است، پایه و مایه نظام حاکم بر جامعه را وابستگی به بیگانه تشکیل میدهد، یعنی این منافع نامشروع بیگانه است

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها:

سر مایه داران پایگاه داخلی امپریالیسم هستند

حجت الاسلام سید محمد موسوی خوئینی ها، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، در پاسخ به نظرخواهی «کیهان» درباره پایگاههای داخلی امپریالیسم، چنین گفته است:

«بسم الله الرحمن الرحیم - امپریالیسم تمام هویت و سرشت خود را از تجاوز و غارت میگیرد و برای رسیدن به چنین هدف پلید، در ابتدا برنده ترین ضربه اش قریب و نیرنگ است که امام امپریالیسم آمریکا را شیطان بزرگ میخواند. بنابراین اولین و ریشه دارترین پایگاه داخلی امپریالیسم وجود همین روحیه و خوی تجاوزگری در جامعه است که تبلور آشکار این روحیه در گروههای اجتماعی زیر دیده میشود:

۱- ثروتاندوزان و سرمایه داران بزرگ که در جامعه آنچه برای آنان مطرح است، جمع مال و ثروتاندوزی و زندگی اشرافی در سایه این ثروت است و برای آنان در کنار این زندگی غیر انسانی اصولا دردها و رنجهای دیگران مطرح نیست، بلکه اشرافیت زندگی خود را به قیمت نابودی زندگی دیگران طلب میکند. اگر این سرمایه داران و ثروتمندان بزرگ سرکوب نشوند و قطعه آن چلو ثروتاندوزی آنان از راههای قانونی و انقلابی گرفته نشود، خطر بازگشت امپریالیسم همچنان وجود خواهد داشت. در این رابطه است که گرانفروشی، اختکار، جمع آوری ارز و بیرون بردن آن از کشور، انحصار هرگونه تولید و تجارت در فرد یا افراد و یا تولید و توزیع هرگونه کالا که به زیان جامعه است و یا بسود آن درجهت رشد و تکامل بسوی خدا نیست، از گناهان بزرگ شمرده میشود که باید در برابر آن با قاطعیت انقلابی ایستاد.

۲- آندسته از اهل قلم و دانش که نظام ارزشی و سیستم حکومتی کشورهای امپریالیستی الگوی ایده آل برای آنهاست، که این دسته جادوسان کن دسته اول هستند. دست دوم کسانی هستند که دائما در گوش جامعه نجوی می کنند که اگر بخواهید زندگی جاوید و خوشی داشته باشید، باید باین الگوها نزدیک شوید. باید از آنچه که در جوامع امپریالیستی محکوم است پرهیز کنید و باید از شجره خبیثه امپریالیسم بخورید تا به زندگی در رفاه و آسایش دست یابید.

(کیهان - ۲۶ آذر ۵۹)

آزادی برای غارت مستضعفان؟

«من که ملت می گویم منظور همین جمعیت کوچک و بازار و خیابانها است، همین جنوب شهریها».

بدین ترتیب روشن میشود که امام از کدام ملت سخن می گوید و به کجا تکیه دارد. و این فقط مقابل و متضاد آن حرکت و چریایی است که امروز بسر «ملت» به مفهوم اشراف و اعیان و سرمایه داران و زمینداران و هواداران تکیه می کند و اقتدار مرفه اداری و تجاری و شمال شهری هسته مرکزی اش را تشکیل می دهد. امام بر آنها تکیه می کند و از ملتی سخن می گوید که در بازیهای کودکانه روشنفکران حضور ندارد و دردهای از سر پیدری آنان را لمس نمی کند و گناه اساسا درمسند که از کدام «آزادی» و از کدام ملت سخن می گویند، در حالیکه «آزادی» و «ملت» او در در چنگال فقر و استضعاف و در سرینجه خبیث سرمایه داران مستبد، انحصارطلب، بیوطن و دلاروطن با پامال میشود و هیچکس بدان اشاره نمی کند.

(اطلاعات - ۲۶ آذر ۵۹)



اسرائیل بازم به جنوب لبنان حمله کرد

نیروهای رژیم تجاوزکار تل آویو بار دیگر جنوب لبنان را مورد حملات وحشیانه خود قرار دادند. صدها تن از سربازان اسرائیلی در حمله ای گسترده به جنوب لبنان از رود لیتانی گذشته و به حومه شهر نبطیه حمله کردند. نیروهای هوایی و توپخانه سنگین اسرائیل از این حمله حمایت کردند.

به گزارش خبرگزاری فلسطین (روفا) نیروهای جنبش مقاومت فلسطین و نیروهای میمن پرست لبنان به مقابله با نیروهای رژیم صهیونیستی تل آویو پرداختند و عده زیادی از نیروهای تجاوزگر را نابود کردند، بطوریکه فرماندهی نیروهای اسرائیل نیز اعتراف کرد که تلفات قابل ملاحظه ای به نیروهای رژیم تل آویو وارد شده است. منابع لبنانی اعلام کردند که در جریان حمله اسرائیل به اردوگاههای فلسطینی و روستاهای اطراف نبطیه، ۲۰ غیرنظامی کشته شدند.

دبیر کل حزب کمونیست کانادا: طرح برنامه پنج ساله آینده اتحاد شوروی نمایانگر تحکیم هرچه بیشتر موضع اقتصادی این کشور است

ویلیام کنتن، دبیر کل حزب کمونیست کانادا، در مصاحبه ای با «خبرگزاری تاس» گفت:

«طرح برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی برای دوره پنج ساله ۱۹۸۵-۱۹۸۱، که بوسیله حزب کمونیست این کشور تهیه شده، سندی دارای اهمیت بزرگ تاریخی است و مهم ترین وظیفه برنامه پنج ساله یازدهم افزایش هرچه بیشتر رفاه مردم شوروی است.»

دبیر کل حزب کمونیست کانادا افزود:

«افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی، که در برنامه پنج ساله پیش بینی شده، نمایانگر تحکیم هرچه بیشتر موضع اقتصادی شوروی است و حیثیت بین المللی این کشور را بیش از پیش افزایش خواهد داد.»

وی همچنین به پیوند ناگسستی میان طرح های اقتصادی و مبارزه مردم شوروی برای صلح، خلع سلاح و تحکیم تنه های اشاره کرد و یادآور شد:

«طرح های اتحاد شوروی، طرح های صلح است و پاسخی دندان شکن به ادعاهای مانویستها است که جنگ جهانی جدید را غیر قابل اجتناب می دانند.»

دبیر کل حزب کمونیست کانادا، طرح های رشد اقتصادی شوروی را با اوضاع اقتصادی کانادا مقایسه کرد و گفت:

«گامیهای مردم شوروی، بویژه با توجه به دوره های گسترش بحران در جهان سرمایه داری و کانادا، چشمگیر است. گامیهای اتحاد شوروی نشان دهنده تفاوت های بنیادی دو نظام اجتماعی - اقتصادی است.»

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا به کار خود ادامه میدهد

فیدل کاسترو:

امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن جنبش های آزادیبخش «سپاه واکنش سریع» ایجاد کرده است

* قدرت نظامی و اقتصادی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک جهان ضامن حفظ صلح در جهان است.

* رئیس هیئت نمایندگی اتحاد شوروی: توافق میان کشورهای ذینفع، بر اساس پیشنهادهای مشخص ثنوبند برزنف، می تواند تشنجات خطرناک را در خلیج فارس از بین ببرد.

کوبا بعهده دارد در مقدمه سخنانش پیام شادباشی ثنوبند برزنف را به کمونیستهای کوبا ابلاغ کرد و از قول وی گفت: «مردم اتحاد شوروی کاملا پشت سر دوستان کوبایی خود در تلاش موفقیت آمیز برای استقرار جامعه سوسیالیستی قرار دارند.»

چرننکو آنگاه گفت: «حزب کمونیست کوبا در حالی که به پیمانهای شناخته شده طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور تبدیل شده، کنگره دوم خود را برگزار می کند. حزب از حیثیت بسیار در میان توده ها برخوردار است و پیوند نزدیک با آنها دارد.»

ری تاکید کرد: «اتحاد شوروی و کوبا در زمینه مسائل بین المللی اتفاق نظر دارند. دو کشور خواهان صلح جهانی پایدار هستند و از احترام به حق حاکمیت همه کشورها برای انتخاب راه توسعه مستقل و آزادانه خود حمایت می کنند. مسیر این راه سیاست کاهشی تشنجات و همکاری مسالمت آمیز میان کشورها، برداشتن گامهای مشخص در زمینه خلع سلاح، کاهش بحران در کانالهای بخرانی جهانی، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در پشت میز مذاکرات است. کشورهای سوسیالیستی آماده اند با وسیع ترین نیروهای سیاسی و اجتماعی و با همه کشورهای پویا و روایت عادی و حسن همکاری حمایت می کنند، همکاری توانمند برابری و امنیت برقرار باشد. ما در جهانی زندگی می کنیم که در آن اوضاع بسیار سریع دگرگون می شود. هیچ دورانی یک چنین دگرگونی های پویا و گسترده ای را شاهد نبوده است. تغییرات اجتماعی زنگهای نابودی سر مست ترین رژیم های دیکتاتوری را پصد در آورده است. در آمریکای لاتین، سقوط دیکتاتورها در نیکاراگوئه و گرانادا، قیام خلعی در لسالوادور و عزم هر چه راسختر خلقهای منطقه برای استقلال و آزادی، نمونه های بسیار روشن این واقعیت است. مراکز ایدئولوژیک سرمایه داری تلاش دارند و انود سازند که گویا بفرنج شدن اوضاع و احوال جهانی نتیجه مداخله اتحاد شوروی و کوبا و دیگر کشورهای سوسیالیستی در امور داخلی کشورهای دیگر است و اینکه گویا کشورهای سوسیالیستی تلاش دارند انقلاب را صادر کنند. اما این دروغ محض است.»

چرننکو افزود:

«اتحاد شوروی و کوبا هر کشور، بخصوص با توجه به شرایط داخلی آن، متولد شده و بشر می رسند و نه آنکه از خارج آورده شوند. اما صادر کردن ضد انقلاب و مداخله خارجی در امور داخلی کشورهای سوسیالیستی بیچون و چاره اجازه داده نشود. امریالیستها باید خوب این مطلب را درک کنند. مسأله کمونیستها به نیروی خرد و منطق و حسن نیت اعتقاد داریم. صلح با حیاتی ترین منافع و آرزوهای بشریت مطابقت دارد. آینده می تواند و باید تنها متعلق به سیاست صلح باشد. نمونه قانع کننده این امر پیشنهادهای اتحاد شوروی برای عادی کردن اوضاع داخلی خلیج فارس است. توافقات روشن میان کشورهای ذینفع بر اساس این ابتکار مشخص می تواند اوضاع را در یکی از بحرانی ترین نقاط جهان از حاحات تشنج خارج کند.»

فیدل کاسترو در ادامه سخنانش گفت:

«ما وجود همه اینها، امید به حفظ صلح در روی جهان همچنان جنبه واقع بینانه دارد و قدرت نظامی و اقتصادی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی و همچنین پشتیبانی تمام نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک جهان ضامن این امر است.»

فیدل کاسترو در گزارش خود برای سیاست صلح جویانه و مبارزه مستر اتحاد شوروی بخاطر کاهش تشنج بین المللی و تأمین امنیت ملتها، ارزش عالی قائل شد. او گفت:

«جنبش عدم تعهد که، اکنون کوبا ریاست آنرا به عهده دارد، باید و میتواند سهم بزرگی در مبارزه بخاطر صلح ایفا کند.»

فیدل کاسترو روابط برادرانه رشد یافته کوبا با اتحاد شوروی را، که همواره همبستگی خود را با جزیره آزادی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ابراز میدارد، خاطر نشان ساخت.

فیدل کاسترو با اشاره به اینکه روی کار آمدن رونالد ریگان در آمریکا در حکم بریزی رایشهای راستگراست، گفت: «کوبا مخالف عادی شدن مناسبات با آمریکا نیست. کوبا بر آنست که عادی کردن مناسبات با ایالات متحده آمریکا موجب بهبود محیط سیاسی در آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب و تقویت جریان تنه زدایی بین المللی خواهد شد. کوبا مخالف ابتکار نیست، ولی هیچکس نمی تواند آنرا وادار کند که مواضع خود را تغییر دهد یا از اصول خود عدول کند. کوبا یک کشور سوسیالیستی بوده و خواهد بود. کوبا دوست اتحاد شوروی و تمام کشورهای سوسیالیستی بوده و خواهد بود. کوبا یک کشور اترانسویالیستی بوده و خواهد بود.»

کنگره دوم حزب کمونیست کوبا با شرکت هیئت نمایندگی از ۱۴۰ کشور خارجی بکار خود ادامه میدهد. بعلاوه محدودیت خروج از کشور، در نتیجه جنگ تجاروی و تحمیلی رژیم صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، حزب توده ایران توانست دعوت حزب برادر را اجابت گوید و در کنگره هارانا شرکت کند.

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، در روز ۲۶ آذر ۵۹ در هارانا کنشایش یافت. در این کنگره، که هیئت های نمایندگی از ۱۴۰ کشور خارجی در آن شرکت دارند، رفیق فیدل کاسترو، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، طی گزارشی مفصلی نتایج پیشرفت کشور را در دوره ۵ ساله گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. فیدل کاسترو از جمله گفت:

«ما جدا معتقدیم که کمونیستها انقلابیون واقعی هستند و هیچ نیروی قادر نیست مانع کمونیست بودن ما شود. ما کمونیست بوده، هستیم و خواهیم بود. راز نیرومندی کشور کوچکمان کوبا نه در قدرت نظامی و قدرت اجتماعی و اقتصادی، بلکه در اخلاق و منویات عالی آن نهفته است.»

کوبا آخرین کشوری بود که پسند استعمار اسپانیا را پاره کرد و به استقلال تمام نهاد، ولی مقدم بر دیگر کشورهای نیمکره غربی از یوغ سیادت امپریالیسم آمریکا رهایی یافت و مقدم بر همه در این قاره قدم در راه ایجاد جامعه سوسیالیستی گذاشت. ما در این راه دشوار می یابستی با نیرومندترین دولت امپریالیستی مبارزه کنیم که فقط در ۹۰ مایلی کرانه کوبا قرار دارد. ما در مبارزه با ارتجاع ایستادگی کردیم. مراحل متعددی را وقتی در خطر نابودی قرار داشتیم، اترس گذراندیم. ولی کوبا طی ۴۳ سال که از اول ژانویه سال ۱۹۵۹ میگذرد، هیچ قدمی به عقب نگذاشته، هیچ گذشته امپریالیسم نکرده و از هر چه از اندیشه ها و اصول انقلابی صرف نظر نکرده است. کوبا اگر نابود هم شود، ولی هرگز تسلیم نخواهد شد. ما اعتقاد کامل داریم که نمونه ما و دستاورد ما سرمشقی جاودانه است.»

فیدل کاسترو آنگاه نتایج رشد ترقی کشور در دوران مساله گذشته را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و گفت: «تنزل قیمت قند در بازار جهانی در نخستین سال اجرای برنامه ۵ ساله، جریان افزایش تومی که کشورهای غربی را در بر گرفت، محاصره اقتصادی کوبا از طرف امپریالیسم آمریکا و تشدید بحران اقتصادی جهان، تأثیر منفی در پیشبرد هدفهای برنامه های ما پخشیده است. با وجود این، اضافه رشد تولید ناخالص ملی ۵ درصد بود. طی همین مدت میزان سرمایه گذاری در صنعت سه برابر شد. حجم تولیدات کشاورزی هر سال ۳۰ درصد افزایش پذیرفت. در حال حاضر کوبا از سیستم جدید برنامه ریزی پیشرفت اقتصادی و شیوه جدید رهبری امور اقتصاد ملی استفاده می کند.»

فیدل کاسترو ضمن تشریح وظایف پیشرفت کشور از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۸۵، از همکاری ترمیبخش با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی سخن راند و گفت: «حجم مبادلات بازرگانی کوبا با این کشورها، طی ۵ سال آینده، ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت و میزان سرمایه گذاری دوبرابر خواهد شد. میزان متوسط سالانه افزایش محصولات اقتصادی حدود ۵ درصد پیش بینی میشود. توجه زیادی به رشد و توسعه کشاورزی معطوف خواهد گردید. مثلا در نظر است که تولید قند ۴۰ تا ۴۵ درصد زیاد شود. علاوه بر این، در ۵ سال آینده، ۴۰۰ هزار آپارتمان جهت زحمتکشان ساخته میشود.»

فیدل کاسترو سپس به ارتقاء سطح تشکل حزب کمونیست و نیرومندی و دستاوردهای آن اشاره کرد و گفت:

«همه اینها باعث شد که حزب کمونیست کوبا در داخل کشور و همچنین در سراسر جهان مورد احترام کامل قرار گیرد. کاسترو سپس به ارتقاء سطح تشکل حزب کمونیست و نیرومندی و دستاوردهای آن اشاره کرد و گفت: «همه اینها باعث شد که حزب کمونیست کوبا در داخل کشور و همچنین در سراسر جهان مورد احترام کامل قرار گیرد.»

کنستانتین چرننکو عضو دفتر سیاسی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که ریاست هیئت نمایندگی این حزب را در کنگره دوم حزب کمونیست

کنستانتین چرننکو عضو دفتر سیاسی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که ریاست هیئت نمایندگی این حزب را در کنگره دوم حزب کمونیست

سخنان رئیس هیئت نمایندگی شوروی

کنستانتین چرننکو عضو دفتر سیاسی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که ریاست هیئت نمایندگی این حزب را در کنگره دوم حزب کمونیست

کنستانتین چرننکو عضو دفتر سیاسی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که ریاست هیئت نمایندگی این حزب را در کنگره دوم حزب کمونیست

کنستانتین چرننکو عضو دفتر سیاسی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که ریاست هیئت نمایندگی این حزب را در کنگره دوم حزب کمونیست

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

صندوق پستی ۱۴/۳۵۰۱، منطقه پستی تهران

Advertisement for 'نامه مردم' (Mardom) newspaper, including contact information and subscription details.